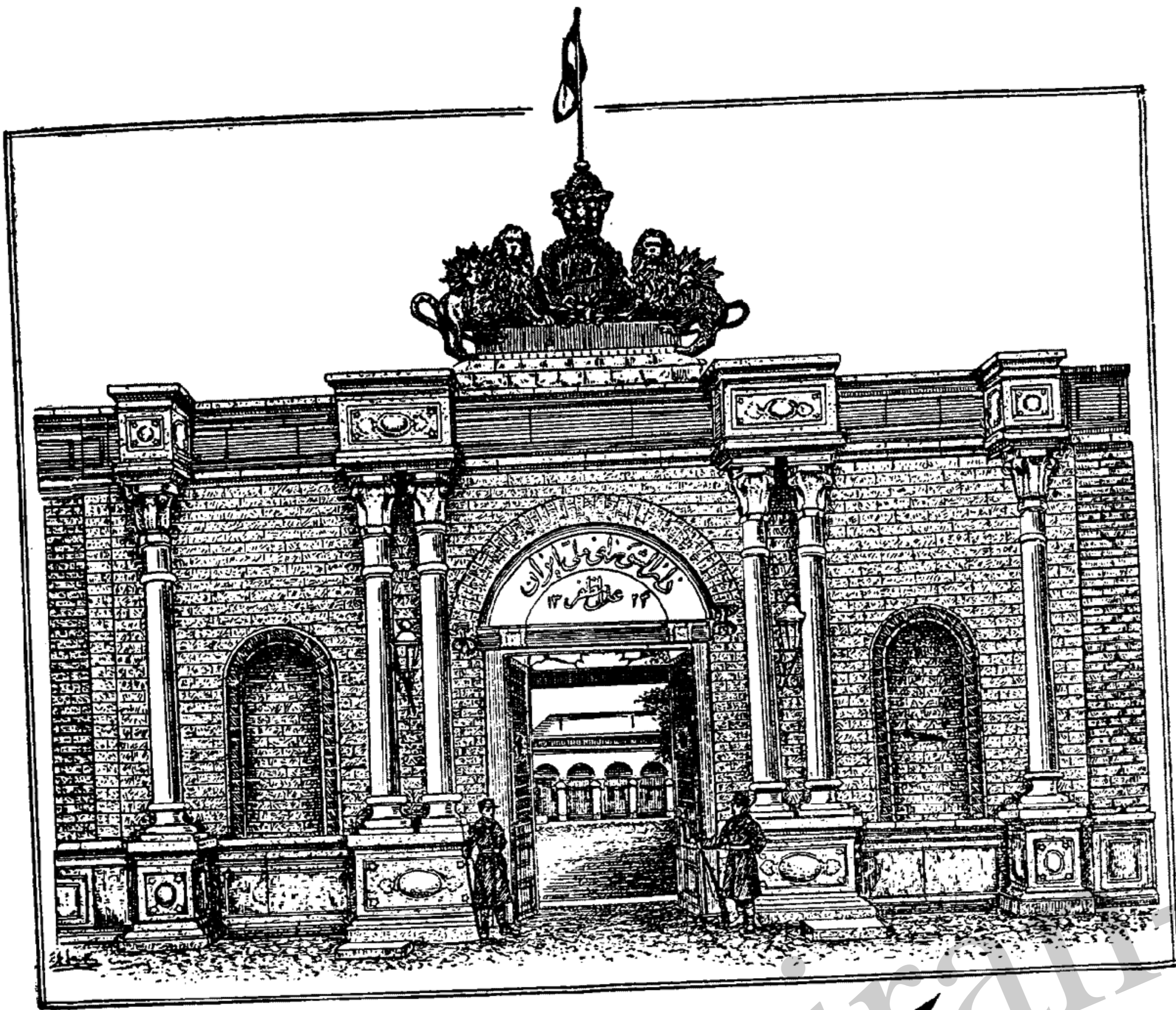


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۱۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۸۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۵ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ ذیحجه ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	سؤالات آقایان : حاج آقا رضا رفیع - شیروانی - حاج میرزا مرآتی - آقا سید یعقوب - دهستانی - میرزا عبدالحسین - حقنویس از آقای وزیر مالیه وجوان ایشان	۱۶۸۷	۱۶۹۵
۲	مذاکره در اطراف لایحه وزیر عدلیه راجع بتمدید اختیارات ماده واحده مصوب ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ بمدت چهار ماه	۱۶۹۷	۱۷۱۷

# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۲۵ خردادماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ ذیحجه ۱۳۴۵

### جلسه ۱۱۹

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)  
 (صورت مجلس سه شنبه بیست و سوم خرداد را آقای دیوان بیکی قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان : اسفندیاری - نظام مافی - سید ابراهیم ضیاء  
 حیدری مکری - لبقوانی - بنی سلیمان - فرشی - میرزا  
 ابراهیم آشتیانی - زعیم

غائبین بی اجازه جلسه قبل  
آقایان : علیخان اعظمی - حشمتی - حاج حسن  
آقا ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : شیروانی - میرزا محمد تقی بهار

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان : مرضی قلیخان بیات - نوبخت

رئیس - آقای ثقة الاسلامی

ثقة الاسلامی - در صورت مجلس پیشنهاد دوم بنده  
را صد تومان نوشته اند در صورتیکه هر دو پیشنهاد  
بنده صد و پنجاه تومان بود.

رئیس - اینجا هم همینطور نوشته شده است. هر  
دو پیشنهاد یکصد و پنجاه تومان است صورت مجلس  
مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

خبر کمیسیون عرایض راجع به مرخصی آقای موقر  
قرائت میشود.

(بشرح آن خوانده شد)

آقای موقر نماینده محترم تلگرافاً تقاضای تمدید يك  
هفته مرخصی نموده اند کمیسیون تقاضای ایشانرا از تاریخ  
سی ام اردی بهشت لغایت هفت روز تصویب و خبر آنرا  
به مقام محترم مجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

بعضی از نمایندگان - یکمرتبه دیگر قرائت شود

(مجدداً به شرح فوق خوانده شد)

رئیس - آقایانیکه مفاد این خبر را تصویب میکنند  
قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. آقای وزیر مالیه برای جواب

باره سؤالات حاضرند. آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - بنده دو سؤال از آقای وزیر  
محترم مالیه کرده بودم. یکی راجع بمالیات کمی رانی یکی  
هم راجع بود به اراضی که بعنوان خالصه ضبط میشود  
گویا راجع به اراضی را باید عرض کنم....  
وزیر مالیه - بلی.

رفیع - عرض کنم آقایان تصدیق میفرمایند که هر  
شهری اولش شهر نبوده است يك مدتی گذشته است که  
کم کم مردم آمده اند و در آنجا ها خانه ساخته اند و  
نشسته اند وزندگانی میکنند. حالا گاهی لب دریا بوده  
است. گاهی کنار رودخانه بوده است گاهی صحرا  
بوده است و حالا پس از چندین سال صد سال دویست  
سال هزار سال باید مردم بیابند استنطاق اول عمرشان  
را بدهند! اهالی بندر بهلوی باطوالش بالاخره کفر  
نکرده اند که لب دریا سکنی کرده اند اینها پدر در پدر  
از سابق آمده اند در آنجا خانه هائی ساخته اند، يك  
دکانهائی ساخته اند، و در آنجا سکنی گرفته اند، اگر  
باین ترتیب بنا باشد رفتار شود اصلاً اسم دریای  
خزر که میگویند (کاسون مری) دریای قزوین که  
میگویند قزوین هم جزو دریا بوده و بعد آن خشک شده  
و مردم در آنجا خانه وملك درست کرده اند. پس مالیه  
باید بیاید بگوید چون قبلاً اینجا ها آب بوده است و  
شماها خانه ساخته اید اینجاها خالصه است. سال های  
سال است مردم آنجا را متصرف هستند از متصرف هم  
کسی سند نمیخواهد. مالیه چه سند و مدرکی دارد  
که دلائل بر مالکیت او بکند؟ آن سند را باید ارائه  
بدهد. بالاخره قریب دو سال است مردم نظم میکنند  
که ما جائی را که ساخته ایم و در آنجا سکنی داریم  
اجاره و استجاره میکنیم مالیه مأمور گذاشته است  
سرمان که اینجا ها دریا بوده و شما خشک کرده  
اید و این از بطون اودیه است و باید بدولت بدهید  
مجلس هیچوقت اینرا اجازه نمیدهد که املاک مردم را  
بدون جهة از دستشان بگیرند. اگر يك همچو نظری

دارند لا اقل باید بمجلس تذکر بدهند نه اینکه بفکر  
بکنفر پیشکار مالیه بیاید و چنین کاری را بکند مجلس  
شورای ملی هم بر خلاف اسلام رأی نخواهد داد. عرض  
کنم قریب دو سال است که چندین کاغذ نوشته اند  
بوزارت مالیه و بمیسیون امریکائی بالاخره يك جواب مثبتی  
ندادند. يك مرتبه به بنده نوشتند که آنها بگویند  
اسنادشان را نشان بدهند بعضی ها هم آمدند در طهران  
اسنادشان را ارائه دادند بعد آنها گفتند باید بروید  
رشت ارائه بدهید رفتند آنجا ارائه دادند باز گفتند باید بروید  
در مرکز ارائه بدهید اصلاً يك کسی که سالها است  
متصرف است بنده از آقای وزیر مالیه سؤال میکنم  
که بچه جهة و از روی چه منطق و دلیل در مملکت  
اسلامی برخلاف تمام قوانین ملك مردم را ضبط می کنند  
وزیر مالیه - این مسئله مربوط باراضی مستحذنه است یعنی  
دریا که عقب میرود و يك قسمتی از آب دریا خشک  
میشود مالکیت این قسمت از مدنی قبل به اینطرف (حالا  
آن تاریخی که دریای مازندران یا دریای خزر در قزوین  
بوده است و عقب رفته است شاید در دست اشخاص  
فعلی نیست) ولی از چند سال قبل در مالیه این طور  
معمول بوده است و این قبیل اراضی که از خشک شدن  
آب دریا تولید شده آنها را ملك عمومی و دولتی میدانند  
به این جهة خودشانرا محق میدانند که يك حق الارضی  
مطالبه کنند. اخیراً در نتیجه همین مذاکراتی که  
آقایان کردند بنده دستور العمل دادم که يك لایحه قانونی  
با اطلاع اهالی محل برای این کار تهیه کنند که بیاید  
به مجلس هر طوریکه در مجلس تصویب شد همانطور  
عمل شود. عملی که تا کنون میکرده اند بواسطه سوابقی  
بوده است که موجود بوده است. این را مطابق اطلاعات  
اداری عرض میکنم. اطلاعات خصوصی در این موضوع  
ندارم ولی اطلاعات اداری این است که سابقه داشته است  
اما اصل این موضوع که آیا يك اراضی مال دولت است  
یا نه؟ این يك مطلبی است نظری و قابل مطالعه است

و وقتی که لایحه پیشنهادی دولت آمد به مجلس در آن  
بحث میکنیم و هر طور آقایان صلاح دانستند رفتار میشود  
رفیع - بنده تصور میکنم قبل از اینکه يك  
همچو لایحه به مجلس بیاید وزارت مالیه حق  
ندارد چنین حکمی را بکند. مردم الان گرفتارند.  
کسی حق ندارد حریم ملك کسی را از دستش بگیرد و  
این موضوع سابقه هم ندارد. اگر سابقه داشت مردم  
داد و فریاد نمیکردند و چون سابقه ندارد داد و فریاد  
میکند.

وزیر مالیه - تا آمدن لایحه ممکن است اقداماتی بشود  
که فعلاً تعرضاتی نشود تا بعد

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - آقایان نمایندگان محترم هر کدام در سهم  
خودشان بواسطه فقر و بیکاری در این مملکت همه روزه  
در فشار خوارترین شغل اداری مردم هستند. گمان نمیکم  
که هیچ بیست و چهار ساعتی را بکنفر وکیل بگذرانند  
مگر اینکه کسی بیاید و از او کار بخواهد و این موضوع  
نسبت باشخاص فرق میکند. اشخاصی مثل آقای مدرس  
و آلهائی که گوش بحرفشان داده میشود بیشتر وبعضیها  
کتر. در هر صورت فقر و بیکاری در این مملکت تمام  
طرق معیشت را به مردم مسدود کرده جز ادارات را.  
باوصف این ما می بینیم که يك استخدام های عجیب و  
غریبی در این مملکت بعمل می آید که من نمیدانم  
اسم این استخدام هارا چه باید گذاشت آنهام بارتبه های  
بزرگ و حقوقهائی که بیست عائله ایرانی میتواند با آن  
زندگانی کند. از يك طرف این قبیل استخدامها  
بعمل می آید از طرفی هم باز نمایندگان محترم در  
نحت يك فشار و شکایت های دیگری هستند و آن  
اشکال تراشی های مؤسسه استخدام و تقاعد است. بنده  
مستخذي را سراغ دارم که شاید بیست و پنج  
سال متوالی سابقه خدمت دارد آنوقت مثلاً دو سال خدمت  
این شخص وکالت در مجلس بوده است رفته در مؤسسه

تقاعد گفته اند باید بروی تصدیق بیاوری که وکیل بوده و الا سابقه خدمت تو را نمیشود قبول کرد. این قبیل اشکال تراشی ها میکنند. این را برای نمونه عرض کردم و الا بقدری اشکال تراشی میشود و بقدری متحدالمآل در اطراف قانون استخدام نوشته شده که بکلی مواد قانون استخدام را از بین برده و دیگر اثری از قانون استخدام نیست و در عوض قانون استخدام متحدالمآلها و نظام نامه ها بموقع اجرا آمده است. مثلاً يك عضو عالی مقام راجع به يك ماده و ایراد قانونی سابقه اش گیر کرده برای گذراندن سابقه آن شخص يك متحدالمآلی صادر کرده اند و این متحدالمآل ممکن است تسهیلاتی برای آن يك نفر فراهم کنند ولی هزارها اشخاص را دچار مشکلات میکند. عکس این موضوع هم هست. من جمله همین موضوع سؤال بنده. در قانون استخدام قطع نظر از ماده اصلی اولی که شرائط مستخدم دولت را معین کرده که تبعیت ایران و عدم قیام بر علیه حکومت ملی و سایر شرائطی که باید مستخدم دارا باشد موادی دارد. من جمله ماده چهار که میگوید. دخول در خدمت رستی باید بطرز مسابقه بعمل آید و هر وزارتخانه یا اداره مکلف است نظامنامه راجع بترتیب مسابقه را مطابق احتیاجات اداری خود تنظیم نماید در ماده دیگر میگوید باید مستخدم با داشتن شرائط یکسال استاز بدهد و پس از يك سال استاز سی و دونومان حقوق رتبه يك را مطابق اشل فعلی به او بدهند و همینطور مراتب را طی کنند تا برسد به عالی ترین رتبه استخدام کشوری ولی از آنطرف هم در قانون پیش بینی شده است که در موقع اجرای این قانون باید رتبه هارا با مشاغل تطبیق کنند و مأخذ استخدام قرار بدهند راجع به این موضوع هم برخلاف صریح قانون آمده اند حقوق را مأخذ رتبه قرار داده اند و نتیجه این شده است که وزارت مالیه بیست و نه نفر مدیر کل دارد و وزارت پست و تلگراف یا معارف که همه ده پانزده تومان بوده

اند اصلاً مستخدم دولتی نیستند و زیر اشل هستند. حالا در نتیجه آن نظامنامه یا متحدالمآل یکی از استخدام ها را بنده خواستم نمونه قرار بدهم و سؤال کنم حالا بنده کاری ندارم به سوابق و عملیات و عدم صلاحیت و در این موضوع وارد نمیشوم. ولی بکنفر اجنبی که اسم او هستر رید است داخل خدمت ایران شد و در دوره گذشته در مجلس شورای ملی مورد اعتراض واقع شد و راجع به این قضیه از دولت وقت سؤال کردند که به چه مناسبت این شخص با اینکه تبعه خارجه است با حقوق زیاد و رتبه عالی داخل در استخدام دولت شده است. دولت وقت هم به احترام مجلس شورای ملی فوراً او را خارج کرد و حقوق او هم توقیف شد و بکلی موضوع خاتمه پیدا کرد. بعد شنیده شد که این شخص تشبثی کرده. تشبث اولی ایشان اینکه مشرف بدین حنیف اسلام شده بعد هم ایرانی شد. البته از مملکت خودش که نسبتاً مملکت ما هفتصد سال از آن عقب است صرف نظر کرد و به يك نیت باك و خالص مسلمان شد. ما هم ایشان را بکنفر مسلمان باك ایرانی میشناسیم این مسلمان با سایر مسلمانها که نباید امتیاز داشته باشد. در شرائط زندگانی و قانونی باید با همه مسلمانها یکی باشد بکنفر مسلمان که میخواهد داخل در خدمت بشود مواد قانون استخدام باشد مراتب با آن نظامنامه ها و متحدالمآل ها درباره اش اجرا میشود باید يك سال استاز بدهد دو سال در رتبه يك مانند بعد برتبه بالا رود بالاخره بهمین ترتیب بیست و پنجسال خدمت کند تا بشود مدیر کل این مؤمن از همان روزی که ایرانی شده دارای رتبه مدیر کلی شده است تمام سوابق قانونی را طی کرده و در آن واحد شد مدیر کل و سیصد و دوازده تومان حقوق عرض کنم در این باب مذاکرات خصوصی و سؤالات شد ولی متأسفانه دولتها نمیدخواهند احترام بگذارند. این شخص الان بر طبق

همین قانون و سایر قوانین تحت تعقیب و محاکمه است و آن صمصامی بیچاره با سی و دو تومان حقوق در كوچه ها ولو است ولی ایشان پشت میزشان نشسته و کار میکنند و با اینکه از طرف دولت هم ابلاغ شده است بحکم دولت اعتنا نکرده است بنده این قبیل بی اعتنائی هارا به اظهارات دولت و قوانین بر خلاف شؤن مملکت میدانم بنده میخواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که این مسائلی را که عرض کردم صحیح است یا خیر؟ این شخص در اثر تعرض مجلس پنجم خارج شد یا نه؟ این شخص خارجی بوده یا خیر؟ این شخص بعد از آنکه خارج شد سیزده ماه تبعه خارجه بود یا نه؟ بعد از سیزده ماه تبعه ایران شد یا نه؟ بعد از آنکه تبعه ایران شد آیا باید با سایر افراد این مملکت فرق داشته باشد؟ حالا این شخص آمده است در مملکت ما و يك استفادات غریب و عجیبی کرده است بنده آنها را میگذارم کنار ولی عرض میکنم در باره این بکنفر ایرانی مثل سایر ایرانیها این رعایت ها شده است یا خیر؟ استدعا دارم جواب بدهند.

وزیر مالیه - راجع به قانون استخدام و نظامنامه و متحدالمآل اظهاراتی فرمودند. در يك موقع دیگر هم اینجا ذکر شد و بنده عقاید خودم را اینجا عرض کردم و حالا ذکرش زائد است. ولی فرمودند مطابق يك تعبیر و تفسیری که در قانون شده حالا این تفسیر صحیح نبوده بنده خودم هم تصدیق دارم ولی مطابق آن تفسیر و تعبیر که در قانون شده و جاری گردیده حقوق را مأخذ رتبه قرار داده اند و بنده سعی کرده ام که در عمل این موضوع را اصلاح کنم و آقایان هم عنقریب موقع پیدا خواهند کرد که بر حسب قانون این مطلب بدون ایراد يك مقدمه اولیه می آیم به مسئله سؤال نماینده محترم راجع به عبدالرضا خان. اینجا باز گمان میکنم يك اختلاف تعبیری است زیرا همانطور که گفته

شد پس از آنکه این شخص از خدمت خارج شد و مجدداً داخل خدمت گردید تا تبعیتش محرز شد سیزده ماه در خدمت بود ولی حقوق نمیگرفت مطابق توضیحی که بنده از اداره استخدام دادند آن سیزده ماه را در خدمت بوده است ولی حقوق نمیگرفته است و بعد که تبعه ایران شد و خواستند به او خدمت رجوع کنند اینجا نماینده محترم اینطور فرمودند که باید تمام رتبه های خدمت را از ابتدای طی کنند. در اداره استخدام وزارت مالیه اینطور تعبیر کردند که رتبه را که سابقاً داشته و مستخدم بوده در آن موقع که رفع محظورت تبعیت او شد او را همین رتبه اعاده بدهند. آنوقت بطور تبیین و تأکید اظهار میکنند که ارتقاء او به رتبه نه یا ابقاء او به آن مقام برخلاف قانون نبوده و مشمول ماده شصت و شش قانون است زیرا در موقع اجرای قانون شغل او معاونت خزانه داری کل بوده که بر رتبه نه موافقت نمیکرده است. عرض کردم این يك اختلاف تعبیری در فحص قانون است که آیا آن محظورات تبعیت خارجه که در او بوده است بعد از اینکه رفع شده مدت خدمت او را يك استخدام قانونی میکند که بشود آنرا مأخذ قرار داد یا نه؟ اداره استخدام و وزارت مالیه مسئله را اینطور تعبیر کرده اند آقای شیروانی نماینده محترم به نحو دیگر تعبیر میکنند. حالا در این موضوع چون در سؤالی که کرده بودند تصریح به این مسئله نداشت و فقط ترتیب رتبه ترقی او را در نظر گرفته بودند و بنده هم چون سابقه کاملی ندارم در این خصوص مطالعه میکنم و اگر خواستند بعد عرض خواهم کرد. يك نکته دیگر را هم فرمودند که بعد از تعلیق باز سر خدمت است چون يك سؤالی هم نماینده محترم در این موضوع کرده بودند حالا مغتنم میشمارم که این عرض را بکنم که جواب آن سؤال هم داده شده باشد در موقعیکه حکم تعلیق عبدالرضا خان بر حسب تقاضای آقای وزیر عدلیه صادر شد بعد از آن همانطور که اظهار شد در خزانه داری مشغول کار

بود. بنده توضیح خواستم اینطور اظهار کردند که تصور میکرده اند تعلیق از تاریخ شروع به محاکمه است و چون شروع به محاکمه نشده است این مدت را مجاز میدانسته اند که در سر کار باشد و بنده تذکر داده که تعلیق بموجب ماده صریح قانون از موقعی است که مدعی العموم اقامه دعوا میکند و لو آنکه محکمه محاکمه را پانزده روز بعد شروع کند اقامه دعوا شامل حال مدعی علیه میشود و گمان میکنم بعد از آن تذکری که بنده دادم بخدمت ادامه نداده باشد.

شیروانی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

شیروانی - قبلاً این نکته را خواستم عرض کنم که یک نفر وزیر مسؤل البته در مقابل مجلس شورای ملی نباید استدلال کند که فلان اداره اینطور قانون را تعبیر کرده است. فلان اداره حق ندارد تعبیر و تفسیر کند. اساساً تعبیر قانون از حقوق مخصوصه مجلس شورای ملی است. هر وقت دولت در یک ماده تردیدی پیدا کند باید بیآورد مجلس و مطابق صریح قانون اساسی و قوانین موضوعه رفع ابهام را بکند و جز مجلس شورای ملی هیچ مقامی حق تعبیر و تفسیر قانون را ندارد. و اما اینکه فرمودند تعبیر شده است که استخدام موقع تبعیت خارجی او را جزء خدمت رسمی محسوب کرده اند این برخلاف صریح قانون است برای اینکه قانون صراحتاً میگوید استخدام خارجی ها مطابق کمترت باید بعمل بیاید و جزء سابقه خدمت آنها محسوب نمیشود و از هیچیک از مواد قانون استخدام هم نمیتواند استفاده کند این شخص از موقعی که تبعه این مملکت شده است باید مطابق شرایط قانونی داخل خدمت شود بنده از آقای وزیر مالیه استدعا میکنم که این نظر مجلس شورای ملی را همین امروز بموقع اجرا بگذارند.

رئیس - آقای شیروانی سؤال دیگری راجع به بودجه ارزاق داشتید.

وزیر مالیه - اجازه بفرمائید. سؤالی را که نماینده محترم راجع به بودجه اداره ارزاق فرموده بودند که چرا در اداره ارزاق از رتبه های بالا هشت نفر هست. چون فعلاً بودجه ارزاق در کمیسیون بودجه مطرح است و يك تشکیلاتی برای آنجا در نظر گرفته شده است اگر صلاح بدانند فعلاً این قضیه بماند.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی راجع به بیست و دو من تریاک قچاق سؤالی داشتید بفرمائید.

حاج میرزا مرتضی - تقریباً در دو ماه قبل از این بیست و دو من تریاک از آقا محمود برادر مؤید الاسلام که عضو مالیه است قچاق گرفته اند و از طرف پیشکار مالیه تعقیب شدند حتی بعضی از املاک ایشان هم توقیف شد. آقای سیاح معاون مالیه بواسطه دوستی با آقای مؤید الاسلام و بطوریکه شنیده ام در اثر گرفتن يك مبلغی از طرف آمده يك چیزی به یک نفر شخص فقیری که هیچ ندارد داده اند و گفته اند تریاک مال این است و اسم آقا محمود آقا را بکنی از بین برده اند در صورتیکه دوسیه های این کار حاکی است که این تریاک مال او بوده است و آقای سیاح برای اینکه قچاق دولت را از بین ببرند این کار را کرده اند. بنده خواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که اطلاع دارند که آقای سیاح این عملیات را کرده است و قچاق دولت را از بین برده یا نه؟ اگر اطلاعاتی دارند چه اقداماتی فرموده اند در این خصوص بفرمائید.

وزیر مالیه - وقتی که سؤال نماینده محترم بوزارت مالیه رسید. بنده تحقیق کردم همانطور که فرمودند بیست و دو من تریاک در يك بارهائی که حمل به شهر میشده است بطور قچاق کشف شده و اداره مالیه نسبت به آقا محمود مظنون شده است برای اینکه ماها متعلق ایشان یا کسان ایشان بوده است. ایشان شکایتهائی کردند و اظهار داشته بودند که من از این امر اطلاعی ندارم. اداره مالیه در آنجا مشغول رسیدگی میشود و

ضمن استنطاق بکشخص دیگری اقرار کرده است که این تریاک مال من است اداره مالیه هم مشغول تعقیب آقا محمود و آن شخصی که اقرار کرده است تریاک مال او است میشود در ضمن آقا محمود يك شکایتهائی بتوسط مجلس و مراکز دیگر از اینکه نسبت به او غرض رانی میشود کرده و در نتیجه چون از اینطرف بعضی ها بتوسط نمایندگان کرمان اسناد غرض رانی به امین مالیه میدهند بالعکس از آنطرف يك اسناد هائی میدهند اینطور صلاح دیده شد که برای کشف قضیه درسیه مربوط به این امر به طهران بیاید و همینطور هم عمل شد و الان کمیسیونی در اداره عایدات تشکیل شده و بدوسییه رسیدگی میکند و نتیجه دوسییه را اگر آقای حاج میرزا مرتضی میل داشته باشند بنده هم میتوانم بطور خصوصی به ایشان بگویم و هم ممکن است در مجلس اظهار شود.

رئیس - آقای آقا میرزا عبدالحسین.

یک نفر از نمایندگان - نیستند.

رئیس - آقای فهیمی راجع به محاکمت وزارت مالیه

سؤالی داشتید بفرمائید.

فهیمی - سؤال بنده راجع به محاکمت وزارت مالیه راجع به چهار پنج ماه قبل بود فعلاً گفت نمیتکم موضوع داشته باشد.

رئیس - آقای فیروز آبادی پیشنهادی داده اند و گویا

مسبوق نیستند در موقع سؤالات نمیشود پیشنهاد داد.

آقای آقا سید یعقوب سؤالی داشتید بفرمائید.

آقا سید یعقوب - راجع به چه بود از بس نمایندگان

جواب بدهند فراموش شده است.

رئیس - راجع به قرقچی ها که پول میگیرند

آقا سید یعقوب - این مسئله را خود آقای وزیر مالیه

هم تصدیق میکند که مال اول بهار است و حالا تابستان است و سه ماه از آنموقعی که بنده عرض کردم گذشته است. اصل موضوع این است قرق هائی که سابقاً در

سرخ حصار بوده است سرخ حصار دو تا است یکی مال سلطنتی است یکی مال رعایا است. بینی و بین الله در دوره سلطنت پهلوی عنوان قرق و این تزییقات بر رعایای بیچاره نیست اینها که میروند کنگر می کنند و میآورند در شهر میفروشند و صرف عائله شان میکنند از هر نفر یکقرن در روز میگیرند بنده سؤال کرده که آخر به چه مناسبت است. اعلیحضرت پهلوی که بن نظر ها را ندارند خوب است عملیات دوره های گذشته ترك شود حالا سه ماه است گذشته دیگر کنگر هم نیست و موضوع از بین رفته است ولی برای اینکه خدای نخواستہ در آتیه زنده بشید تذکر داده که جلوگیری بشود.

وزیر مالیه - البته نماینده محترم اضلاع دارند که قرق يك مسئله نیست که مربوط با ادارات دولتی باشد ولی به مجرد رسیدن این سؤال به وزارت محترم دربار نوشتیم مطابق مراسله که وزیر محترم دربار به بنده نوشته اند اظهار میدارند که در نتیجه تحقیقاتی که از طرف اداره پرشکاری کرده اند این طور با ایشان جواب داده شده است که در قسمت قرق کاه هیچوقت بنه کن آنجا نمیروند که قرقچی پول بگیرد و قدغن است بنده هم مطابق اطلاعاتی که دارم میدانم این قدغن خوب جبری است. در خارج از قرق هم که قرقچی ندارد بزی اینک قرقچی حق تجاوز به خارج از قرق را ندارد (این توضیح است که از وزارت دربار داده اند) ممکن است در این میانه يك کسی تجاوزی کرده باشد وزارت دربار از بنده تقاضا کرده بودند بنده هم از نماینده محترم تقاضا میکنم که اگر ممکن بشد مورد آنرا معین بفرمائید تا مسئله تقشیش شود زیرا هیچوجه من الوجوه اجازه ندارند از حدود قرق خارج شوند.

آقا سید یعقوب - اجازه بفرمائید این سؤال بیشتر اسباب تأسف بنده شد و يك قدری بر اشکال بنده افزود عجب بدبختی است کاش سؤال نکرده بودم بنده میدانم در همان حدودیکه قرق یود میرفته اند و کنگر میکنند اند. از این بیانی که در مجلس شد بنده میدانم چه عرض کنم. نه قانون

قرقی بوده است نه چیززی شما این را يك كار مجلسی کردید. حقیقتاً متأسف هستم که این عنوان در مجلس شد ولی عرض میکنم در خارج از حدود قرق هم رفته اند و همان اشخاص آمده اند پول گرفته اند و بهتر اینست این قبیل قضایا را از بین ببرند.

رئیس - آقای روحی پیشنهاد تنفس داده اند.

شیروانی - تنفس مثل ختم مجلس است. هنوز کاری نکرده ایم.

رئیس - آقای روحی

روحی - آقایان محترم مسبوقند که آقای وزیر عدلیه دو جلسه است راجع به لایحه خودشان بمجلس میآیند و چنانچه قرار شده است باید در تنفس آقایان اعضاء فراکسیونها بنشینند و راه حلی پیدا کنند که وقتی به مجلس آمد دچار اشکالات نشود. بنده می بینم وقت مجلس به سؤالات میگذرد و این سؤالات هم بقدر صد دینار فایده ندارد بناءً علیهذا بنده پیشنهاد کردم تنفس داده شود که آن موضوع حل شود.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - اولاً این سؤالات تقریباً سه ماه است شده است خوب است آقایان اجازه فرمایند جواب داده شود ثانیاً ما کراً دیده ایم تنفس که میشود یا دیگر جلسه نمیشود یا اگر هم بشود خیلی طول میکشد اگر آقای وزیر عدلیه لایحه دارند بیاورند مطرح شود.

رئیس - رأی میگیریم. آقایانیکه پیشنهاد آقای روحی را تصویب میکنند قیام فرمایند.

( معدودی برخاستند )

رئیس - تصویب نشد. آقای دهستانی

میرزا بدالله خان دهستانی - عرض کنم بنده چندین ماه است چندین فقره سؤال کرده بودم. در دی ماه سه فقره. در اسفند ماه دوسه فقره. در خرداد هم چهار پنج فقره. نمیدانم چه شده است. که سؤالات

نظر است. اما راجع باعیانی خالصجات که آقای دهستانی سؤال کرده اند که اداره مالیه طهران عوارضی بعنوان حق الارض میگیرد اداره عالییه طهران بموجب سندیکه در کیف بنده است گرفتن حق الارض را از خنهای زارعین خالصجات تکذیب میکند.

دهستانی - مطلب بطوری است که آقای وزیر مالیه راجع به سؤالاتی که کرده بوده فرمودند ولی متأسفم از اینکه قضیه توسط وزارت مالیه حل نخواهد شد زیرا در زمان آقای حاج محترم السلطنه مکرر دوسیه از اداره مالیه طهران خواسته شد ولی رئیس اداره مالیه نفرستاد. بهر حال امید دارم که آقای وزیر مالیه دوسیه را بخوانند و بهر ترتیب که مقتضی است جواب سؤال بنده را بدهند. راجع به تکذیب کردن موضوع حق الارض هم خیلی متشکرم و امیدوارم اساسی نداشته باشد.

وزیر مالیه - آقای آقا میرزا علی قی هم سؤالی از بنده کرده بودند برای جواب سؤال ایشان هم حاضرم. رئیس - آقای میرزا عبدالحسین راجع به مر عبد آباد سؤالی کرده بودید بفرمائید.

آقا میرزا عبدالحسین - یکی از سؤالات من راجع به مزرعه سعیدی بود که سیصد و بیست و هفت خروار جنس و هشتصد تومان نقد از دو سال گذشته کسر عمل داشته یکی هم راجع به مزرعه عبد آباد است که عمر آبش را از طرف اداره مالیه بدون مراجعه به هیچ محکمه قانونی سد کرده اند. یکی هم راجع به سی و پنج هزار تومان بقایای مالیاتی جیرفت و رود بار است که ضرغام السلطنه متقبل شده بود به بردازد و حالا تحمیل شده است بر رعایا. سؤالات من راجع به این سه فقره است.

وزیر مالیه - در موضوع سؤالات نماینده محترم آقای آقا میرزا عبدالحسین. بنده از محل تحقیقاتی کردم مطابق اطلاعاتی که رسیده است بنده به مر عبد آباد بیشتر اهمیت دادم. راجع به خالصجات سعیدی آنطوریکه

اشاره کردند که حاصلش کم شده است از آنجائی که معامله مالیه يك معامله تصنیفی است ممکن است یکسال حاصل بیشتر و یکسال کمتر بشود. يك چیز مقطوع و يك معامله مقطعه نیست. ولی نسبت به مر عبد آباد مطابق اطلاعاتی که به بنده رسیده است دولت يك خاصه دارد نزدیک عبد آباد و مالکین عبد آباد يك عملیاتی در آنجا کرده بودند و مأمور مالیه که حافظ منافع دولت است از اقدامات آنها جلوگیری کرده و مر را به حال اول خودش عودت داده بطوریکه به کبوتر خان هم صدمه وارد نشود و در جواب سؤال و استیضاحی که از مالیه کرمان شده بود اینطور اظهار داشته اند که اگر اداره مرکزی و وزارت مالیه صلاح بداند عملیات آنها را با حضور سیر مأمورین دولت از قضت عدلیه و مأمورین ادارات دیگر رسیدگی کنند و به بینند هیچ تجویزی بحقوق خصوصی نشده و فقط برای حفظ مالکیت خاصه بوده است آنها البته حاضرند که بروند در محل و نشان بدهند که حقیقت امر اینطور است و بدون اینکه آقا به من دستور داده باشند من خودم این روبره را تصدیق کردم و دستور دادم همینطور با حضور یکی دو نفر از مأمورین ادارات دیگر به این مسئله رسیدگی شود.

آقا میرزا عبدالحسین - راجع به ضرغام السلطنه جواب فرمودید. مسئله صیفی مزرعه سعیدی همه ساله بمزایده اجاره داده میشد در هزار خروار جنس من سؤالم از آقای وزیر مالیه این است که چرا سال گذشته که اجازه داده نشده و بطور امانی عمل شده سیصد و خورده کسر شده و بعد از اینکه مقدار سیصد و بیست و هفت خروار جنس و تقریباً هشتصد تومان کسر آمده مبلغ هشتصد تومان از میرزا عبد الکبیر خان نامی که از اجزاء مالیه است و بنده نمی شناسم میخواسته اند و آنها هم اینطور بحال خودش باقی است. اما راجع به مزرعه عبد آباد باینکه چند نفر مصدق رفته و تصدیق کرده اند که این مجری و عمر از هزار سال قبل بوده نه اینکه تصرف جدیدی کرده

باشند و اهالی عبدالآباد مجرای جدیدی احداث کرده باشند اداره مالیه آمده است همان را بر کرده است و نسبت به ضرغام السلطنه وسی و پنج هزار تومان چیزی نفرمودید.

رئیس -- آقای حقنویس

حقنویس -- در شهر قم در قسمت قدیم شهر میدان است معروف به میدان کهنه و اطراف این میدان دکا کینی است که متعلق به مردم متفرقه است و مالکین این دکا کین در حریم دکا کینشان يك معاوضاتی میکرده اند چند باب کاروانسرا هم در این میدان هست که متعلق است به اشخاص متفرقه و معمول این بوده و هست که فقرا و رعایا وقتیکه تیغ از صحرا ها میکنند برای فروش میآوردند در این میدان و میفروختند و از طرف مالکین دکا کین هم تعرض نمیشد. آنچند سال قبل یکی از امانت مالیه قم مثل خیلی از قضایا که در قم و خیلی شهرها واقع میشد میلش کشیده است که از اشخاصیکه در این میدان چیز میفروشنند يك چیزی باسم مالیات بگیرد. تظلم مردم شروع شد. اتفاقاً عایدی این میدان هم جزء عایدات کل مملکتی در بودجه چهار دیواری تصویب شد بعد از این تصویب جواب میدادند که چون این عایدات در جزو بودجه چهار دیواری تصویب شده است حالا دیگر قانونی است. بعد از آنکه مالیات اصناف تمام اقسامش ملغی شد دیگر موضوعی برای گرفتن این مالیات نخواهد بود. حالا باز این مالیات را میگیرند حتی از اشخاصیکه در فضای کاروانسرا های ملکی مردم هم سبزیجات و تیغ میفروشنند میگیرند. خواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم در این موضوع اطلاع دارند؟ اگر اطلاعی دارند موضوع گرفتن این وجوه بجهت مناسبت است؟ اگر عنوان مالیات است نمیتواند باشد اگر عنوان دیگری است خواستم توضیح بفرمایند که قضیه معلوم شود.

وزیر مالیه -- سؤال نماینده محترم را بنده برای تحقیق به مجرد وصول به اداره فرستادم جوانی که از اداره

داده اند این است که این میدان کهنه قم خالصه است و دولت حقش را که میگیرد بنام حق الارض خالصه است چون در ضمن صحبت های خصوصی که نماینده محترم بنا بنده فرمودند بنده اینطور احساس کردم که ایشان در موضوع این مطلب یعنی عنوان خالصه بودن این میدان تردیدی دارند به این ملاحظه مجدداً تحقیق کردم که مدارك خالصه بودن را برای بنده روشن کنند که بتوانم به ایشان عرض کنم. امروز هم وقتی که خواستند سؤال بکنند عرض کردم راجع به قسمت اخیر هنوز تحقیقات ما کامل نشده است ولی راجع به قسمت اول مطابق اطلاعاتی که تا بحال دارم بعرضشان میرسانم. عرض کنم اداره مالیه میدان کهنه قم را خالصه میدان و گرفتن این حق الارض هم بآن مناسبت است. ولی اسناد و مدارکی که تصدیق کند صحت خالصه بودن آنجا را در مقابل اعتراضات هنوز نرسیده و بنده ندیده ام.

حق نویس -- اجازه میفرمائید؟ البته پس از کشف اینکه مدرکی برای خالصه بودن آنجا ندارند امر خواهند فرمود که چیزی نگیرند.

وزیر مالیه -- لایحه ایست تقدیم میشود برای تخصیص يك قسمت از وجوه هزار و سیصد و پنج برای یکمقدار از امور عام المنفعه.

یاسائی -- اضافه عایدات مال بانك است

رئیس -- آقای عدل

عدل -- بنده دو فقره سؤال از آقای وزیر مالیه داشتم یکی راجع به دخانیات و یکی هم راجع به اوزان و مقادیر.

وزیر مالیه -- اجازه میفرمائید جواب عرض کنم؟ علت اینکه در ضمن صورتی که برای جوابها تقدیم مقام ریاست کردم جواب حضرتعالی را ننوشته بودم برای این بود که قسمت اوزان و مقادیرش مستقیماً مربوط بوزارت فواید عامه میشود و بنده هم اخیراً بوزارت فواید عامه يك تذکری

داده ام و آنها هم مطابق اطلاعاتی که بنده دارم عمل کرده اند و در قسمت دخانیات هم میل داشتم این سؤال را از بنده بفرمایند تا اینکه لایحه اش را تقدیم کنم.

عدل -- بنده راجع به اوزان و مقادیر از وزارت فواید عامه سؤال کرده بودم بعد معاون وزارت فواید عامه گفت ما کار خودمان را کرده ایم و ترتیبانمان را داده ایم شمس باید از وزارت مالیه سؤال کنید بنده هم برطبق تقاضای ایشان سؤال را از وزارت مالیه کردم و راجع بدخانیات هم اگر قانون آن میآید دیگر عرضی ندارم.

رئیس -- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم لایحه کمیسیون عدلیه در موضوع محاکمه وزراء در دستور قرار داده شود و اول دستور باشد.

رئیس -- بفرمائید

آقا سید یعقوب -- علت اینکه بنده این پیشنهاد را کردم برای این بود که می بینم آن لایحه که وزیر عدلیه میخواهد بیاورد خود وزیر و رئیس الوزراء نیستند. آن لایحه وزارت فواید عامه هم باعتبار اینکه دو قلم آن بر گشت بکمیسیون بودجه و در آنجا تمام نشده نمیشود مطرح کرد. ولی این يك لایحه ایست که مدنی است طبع و توزیع شده از این جهت بنده پیشنهاد کردم این لایحه در مجلس مطرح شود اگر لایحه وزیر عدلیه آمد آنوقت ممکن است آن را مقدم بدارند ولی حالا برای اینکه مجلس معطل نباشد این لایحه را مطرح کنند.

رئیس -- هنوز تمام پیشنهادات راجع به لایحه اضافات بودجه فواید عامه قرائت نشده و تا آنها تکلیفش معلوم نشود به کمیسیون ارجاع نمیشود.

آقا سید یعقوب -- در درجه دوم باشد.

یاسائی -- اجازه میفرمائید؟

رئیس -- بفرمائید

یاسائی -- راپرت کمیسیون عدلیه راجع بمحاکمه وزراء تقدیم شده ولی اگر طبع و توزیع شده هنوز تصور نمیکند نمایندگان مطالعه کامل در آن کرده باشند. بعلاوه علاقمندی تمام آقایان نمایندگان محترم بتصویب بودجه های تفصیلی اجازه نمیدهد که این لوائح متفرقه بمجلس بیاید و بالاخره به کمال تأسی که از این وضعیت داریم در متن بودجه های مملکتی يك حرف های اساسی داریم و میخواهیم در کمیسیون اقداماتی نکنیم و مجلس شورای ملی هم این نظر را دارد. ولی این لوائح اضافی عائق و مانع شده و باعث شده است که مجبور شویم يك دو از ده يك دو از ده هم بگذرانیم. بنده عقیده ام این است که مجلس زودتر تکلیف این لوائح اضافی را معلوم کند یا رد نماید یا قبول در هر حال باید این تعهداتی را که وزارتخانه های مادر ۱۳۰۵ کرده اند تکلیفش معلوم شود. اون میزان اعتبار هر وزارتخانه معین شود تا بشود وارد بودجه تفصیلی شد. ولی این ترتیبی را که مجلس اتخاذ کرده است گمان میکنم منرا از اصل مقصود خودمان دورتر نکند. کار را آقایان مذاکره کرده اند که چرا بودجه تفصیلی بمجلس نمی آید. ما عرض میکنیم برای اینکه تکلیف این لوائح اضافی را معین نکرده آید. بالاخره اگر مخالفت کرد کنید و اگر موافقت تصویب بفرمائید. اگر این اعتبار را میدهید بوزارت فواید عامه بدهید که تکلیفش معلوم شود تا کمیسیون بودجه هم بودجه تفصیلی آنرا تهیه کند. ما خودمان عاشق این هستیم که مجلس وقت بدهد که ما وارد شویم در قلم بقلم بودجه های تفصیلی و آنوقت مدلل کنیم به مجلس شورای ملی که ممکن است از این مخارج و تأسیسات یکی دو عشر بطور کلی کسر کنیم. ولی مجلس شورای ملی مهلت نمیدهد یعنی این قدر مذاکره در لوائح اضافی میشود که تمام برخلاف مقصود است. بنده میخواهم بودجه تفصیلی زودتر بیاید ولی خودم موجب

نیامدن بودجه تفصیلی را در مجلس فراهم میکنم پس خوبست آقایان موافقت بفرمایند لوائح اضافی مطرح شود تا بتوانیم بودجه های تفصیلی را بمجلس بیاوریم.

آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد خودم را مسترد میکنم رئیس - آقای دادگر پیشنهاد تنفس داده اند.

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد.  
دادگر - بنده تصور نمیکنم مخالفی داشته باشد. مسائل اهم و مهم دارد. ما فعلاً با يك قضائاتی برابر شده ایم که باید مطالعه کنیم و این يك امری است که نزد همه معهود است. و بنا بر این بهترین است فعلاً تنفس داده شود و در آنخصوص يك تبادل نظری بشود.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - راجع بدستور اگر پیشنهادی هست داده شود وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید؟ با مذاکرانی که در این در روز محض استحضار خاطر محترم آقایان عرض کردم گمان میکنم مقدمات زیادی لازم نباشد. در وقتی که پس از انحلال عدلیه بنده از مجلس تقاضا و تمنا می‌کنم که برای يك مدتی راپیش بینی کرده بودم برای این کار ولی در عمل معلوم میشود که کافی نیست. باین ملاحظه يك لایحه است تقدیم میشود برای اینکه مدت را امتداد دهیم. در اصل لایحه مدتی که نوشته شده بود شش ماه بود ولی بعد از يك تبادل نظری که با فرا کسیونها شد اینطور مصاحبت دیده شد که عجله چهار ماه تقاضا شود و بهمین مناسبت هم هست که بنده این جا اصلاح میکنم و امیدوارم آقایان از نقطه نظر اشخاص و از نقطه نظر های جزئی وارد در مطالعه و بحث در يك مسئله که بعقیده بنده یکی از بزرگترین مسائل اساسی مملکت ایران است نشوند. یقین هم دارم که اکثریت مجلس شورای ملی همیشه

مصوبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ است ماده واحده ذیل پیشنهاد و با قید دو فوریت تصویب آن تقاضا میشود.

ماده واحده - مجلس شورای ملی اختیارات وزیر فعلی عدلیه مصوبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ را از تاریخ تصویب این قانون برای مدت چهار ماه تجدید و تمدید می نماید.

رئیس - مذاکرانی که میشود راجع بفوریت قسم اول است کسی مخالف نیست؟

مدرس - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

مدرس - فوریت مراد چیست؟ مراد این است که يك شور بشود و بعد فوریت ثانی هم تصویب بشود یعنی در مجلس امروز تمام شود. بنده عقیده ام این است که باید مسئله را بیداریم تحت مشوره. فرا کسیونها بنشینند و مشوره کنند خود وزیر هم تشریف بیاورند در کمیسیون عدلیه اشخاص دیگر را هم آنجا دعوت کنند به بینیم حقیقه باین پیشنهادی که کرده اند خط اصلاحی پیش می آید یا خیر. اگر حقیقه بعد از تأمل و تعمق دیدیم واقعا راه اصلاح این است مضایقه نخواهد شد. اگر دیدیم همانطور که ما هم حس کردیم آقا وزیر عدلیه بی طریق اصلاح میگردند البته به مجلس می آید و مجلس هم رأی می دهد. لهذا عقیده بنده این است که فوریت موردی ندارد و بلکه مضر است

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بکمرته این است که يك موضوعی بدایه و اتفاقاً میباید بمجلس شورای ملی بدون اینکه مطالعه در اطرافش شده باشد البته همانطور که فرمودند چندان فوریتش مستحسن نیست. ولی این قضیه بکمرته دیگر هم همین صورت بمجلس شورای ملی آمده است و مورد تصدیق اکثریتی که باید بفوریت رأی بدهند شده است و حالا وزیر عدلیه تقاضا کرده است که آن اختیاراتی

را که مجلس داده است تمدید بدهد برای اینکه من بتوانم عدلیه های ولایات و ایالات را در يك مدتی تشکیل بدهم.

ما اختیار دادیم بایشان از دو نقطه نظر: یکی تشکیلات عدلیه و استخدام قضاة و قانون مربوط به و یکی از نقطه نظر اصلاح قانون محاکمات حقوقی و جزائیی و تجارتنی.

ولی متأسفانه وقت چون کم بود در قسمت تشکیلات ایالات و ولایات موفق نشدند اقدامات عملی بکنند و همینطور راجع به اصلاح مواد قانون محاکمات حقوقی و جزائیی کمیسیون را که انتخاب کرده اند در این مدت تقریباً بیست - سی ماده قانون محاکمات حقوقی را نظر کرده اند. در صورتیکه آن قانون هفتصد و دوازده ماده

است. پنجاه ماده هم قانون محاکمات جزائیی است مواد زیادی هم قانون تجارت دارد. همه اینها هم محتاج به تجدید نظر هائی است و ما اختیار دادیم که وزیر عدلیه کمیسیونهایی تشکیل بدهد و در آنجا تجدید نظری کنند. ولی هنوز این قضیه کاملاً انجام نگرفته است و این قصور هم از طرف وزیر عدلیه شده است کمیسیون که باید جلسات خود را تشکیل بدهد و این کار را تمام کند کمتر موفق شده است به تشکیل جلسات. این است که اصلاحاتی که در این قوانین مزبوره میبایستی بعمل بیاید کاملاً بعمل نیامده در هر حال به همان منطق و فلسفه که سه چهار ماه قبل این رأی را دادیم خیال میکنم از نقطه نظر اصلاح قانون و تشکیل محاکم در ولایات الان هم آن منطق موجود است (بعضی از نمایندگان - صحیح است) و بنده نفی

نمیکنم. هیچ نوع اشتباهی را بالاخره ممکن است وزیر عدلیه در تشکیلاتی که در مرکز داده اند يك قسمت آن قبل اتفاقاً باشد خود بنده هم نظریاتی دارم. هم در قانون محاکمات و هم در تشکیلات. و باید ایشان را متذکر کرد به همین جهت هم ما اختیار دادیم بایشان که آزمایش بکنند و در عمل به بینند چیست بعد بیاورند بمجلس شورای ملی آنوقت تصویب کنیم و يك قانون حساسی بشود. نظر ما از اول این بود حالا هم همان است.



پس برای آزمایش هم باید بایشان مهلت داد. و مدت آن اختیارات در ۲۷ خرداد تمامه میشود و شش ماه بعد برای آزمایش است پس بنا بر این بنده ارجاع این قضیه را بکمیسیون مفید نمیدانم برای اینکه موجب تأخیر می شود و يك فترتی بین تشکیل عدلیه مرکز و ولایات پیش می آید و ممکن است موجبات تعویق در کمیسیون فراهم شود. مردم را بیش از این نمی شود در حال بلاتکلیفی گذاشت. البته آقایان اطلاع دارند که غالباً حکام اطلاع می دهند که تکلیف دعوی مردم چیست. بهر صورتی هست باید يك روزی افتاده شود و با همان صورتی که سابق اختیار دادید که این اقدام را بکنند حالا هم این اختیار را میدهید بعد هم اگر قوانینی موافق مصلحت مملکت ننوشته اند وقتی که آمد به مجلس اصلاح میکنید و اگر انتخابات هم آنطور که دلان می خواهد نشد البته آقای وزیر عدلیه بموجب اختیاراتی که بایشان داده اجم اصلاح میکنند ولی البته تجدید نظر وقت لازم دارد و مرور زمان می خواهد و همانطور که آقای داور در خارج هم فرمودند يك وقت ممتدی میخواهد بهمان دلیلی که بعد از پنج سال میگوئیم باید کنترلت دکتر میلسو را تجدید کنیم بکنفر ابران هم میگوید اختیار من را ممتد کنید برای يك مدت مدیدی. برای بکنفر خارجی میگوئید پنج سال کافی نیست و باید بیشتر باشد ولی برای يك ابران میگوئیم چهار ماه کافی است بنده عقیده ام این است که باید باین اختیار رأی بدهیم که ایشان با همان اختیارات از اینجا بروند بیرون والا از نقطه نظر خارجی و داخلی برای ما خوب نیست

رئیس -- آقای تقی زاده در فوریت قسم اول مخالفید؟

تقی زاده -- خیر

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- موافقم

دارم که باید در مجلس مذاکره شود باین جهت در صلاح خود آقای وزیر عدلیه و در صلاح مملکت عقیده ام این است که بفوریت قسم دوم رأی داده نشود و برود بکمیسیون عدلیه فادر آنجا عقاید خودمانرا بگوئیم. اگر ایشان مانع متقاعد کردند چه بهتر می آید به مجلس. اگر متقاعد نکردند باز هم لایحه میاید در مجلس و اکثریت هم رأیش قطع است و نظر بنده این است که فوریت قسم دوم را به خبر کمیسیون محول فرمایند.

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- بنده از مخالفت آقای دکتر مصدق راجع بفوریت قسم دوم چیزی نفهمیدم. فقط فرمودند مطالبی هست که باید در کمیسیون صحبت شود و نمیشود در مجلس صحبت کرد. بنده نمیدانم چه مطالبی است که نمیشود در مجلس صحبت کرد و باید در کمیسیون باشد؟ رعایت این اصول در موقعی است که کمیسیونها در مجلس از روی اطلاع و از نقطه نظر بصیرت اشخاص انتخاب شود. مثلاً کمیسیون عدلیه غالباً انتخاب می شود از اشخاصی که متخصصند در امور قضائی یا کمیسیون داخله همین طور. اما در مجلس ما که این اصول رعایت نمیشود در کمیسیون عدلیه شاید یکی دو عضو باشد که از قضایا و جریان عدلیه مستحضر باشند. پس رفتن لوائح به کمیسیون غیر از تعویق هیچ فایده ندارد یعنی برخلاف مقصود خودشان است که فرمودید عدلیه های ولایات نباید معطل بماند زیرا معطلی آن اسباب زحمت مردم است. رفتن بکمیسیون بالاخره آن تعطیلی را که فرمودید و آن تأخیری که در نظر خودشان است ایجاد خواهد کرد. و مطالعات در خصوص تمدید کاملاً شده است منتهی اگر يك نظریات جزئی دیگری هم هست ممکن است در مجلس باحضور همه گفته شود. بنده نمیدانم چه مسائلی است که نمیشود در مجلس گفت و باید در کمیسیون گفته شود؟ مسائلی را که مربوط به مصالح عامه باشد چرا نمیشود در مجلس صحبت کرد؟ باید صحبت کرد و قضیه

را حل نمود.

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- موافقم

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- موافقم

رئیس -- آقای تقی زاده

تقی زاده -- بنده در اصل موضوع عرض دارم

رئیس -- آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات -- بنده اصولاً معتقدم که هیچ لایحه را نباید در مجلس رد و فوریت مطرح کرد. برای اینکه اساس هر دقتی در هر لایحه در کمیسیون میشود و در مجلس در قسمت مخالف و موافق آن دقت کاملی که باید بشود نمیشود. زیرا يك اکثریتی در مجلس هست و بالاخره آن اکثریت واقفیت کار خودش را میکند بدون اینکه دقت کاملی شده باشد. ولی در کمیسیون اینطور نیست. در آنجا بعقیده بنده بیشتر دقت میشود. از آنطرف هم آقای وزیر عدلیه فرمودند من مایل نیستم از نقطه نظر اشخاص در اینجا يك مذاکرانی شود. اگر میل داشتند که آقایان مخالفین از نقطه نظر اشخاص وارد در مذاکره نشوند خوب بود عملیات چهارماهه شان را بهتر از این قرار میدادند...

(همه نمایندگان)

حاج شیخ بیات -- اجازه میدهید بنده حرفم را

بزنم...

شیروانی -- اینطور نیست

حاج شیخ بیات -- شما حق ندارید حرف بزنید اجازه بگیری بعد حرف بزنید. بنده آزادم حرف بزنم. این موضوع خوب بود برود در کمیسیون و يك دقت کاملی در اطرافش بشود و مخالف و موافق حرفش را بزند بعد بیاید به مجلس و البته هرطور اکثریت رأی داد قاطع است. اینکه آقای یاسائی فرمودند منطقی را که سابق برای تصویب ماده واحده بوده حالا هم موجود است...

وزار - راجع بفوریت بفرمائید

حاج شیخ بیات - اجازه بدهید. همانطور که موافقین در آن روز يك منطقی داشتند برای اظهار عقیده خودشان مخالفین هم يك منطقی داشتند برای اظهار عقاید خودشان و روی همان منطقی هم به لایحه رأی ندادند و مخالف با فوریت و اصل ماده هم بودند از جمله بنده بودم که رأی ندادم یعنی رأی آبی دادم و الان هم مخالف هستم. برای چه؟ برای اینکه قوه قضائی این مملکت را بیش از این اهمیت میدهم که يك نفر وزیر بتواند او را اصلاح کند...

بعضی از نمایندگان - مجلس اختیار داده است شیروانی - قوه قضائیه نه قوه دزدها...

حاج شیخ بیات - حضرتعالی بیشتر وارد اشخاص میشوید. باین جهت بنده مخالفم با طرح لایحه بدو فوریت و نمنا میکنم از آقایان که موافقت نفرمایند و آقای وزیر عدلیه هم موافقت نفرمایند برای اینکه راجع بعملیات این چهار ماهه و راجع به اشخاص وارد مذاکره نشویم و این ماده برود در کمیسیون و وقت کامل در اطرافش بشود در اصل ماده هم عرض دارم که در موقع خودش عرض میکنم وزیر عدلیه - بنده لایحه را در روز معطل کرده و تقدیم مجلس نمیکردم برای اینکه حتی الامکان سعی کنم مسئله روی يك کشمکش هائی نیفتد ولی آقا وقتیکه تشریف میآورید این جا و میفرمائید عملیات چهار ماهه خودم را این جا معین کنم. بنده زیر بار نمیروم بنده يك فکری را خیال کردم در این مملکت میشود اجرا کرد. نمیخواهم بگویم بنده در عمل يك قوه داشتم ما فوق قوه بشر که هیچ اشتباهی نکرده باشم و لیکن از این مرحله تا مرحله اینکه آقا تشریف بیاورند این جا و به بنده بفرمایند که بعملیات چهار ماهه خودتان نگاه کنید خیلی فرق است و يك فاصله زیادی فیما بین هست. این مسئله بایستی روشن شود اکثریت مجلس شورایی ملی با من موافقت میکنند مساعدت میکند

و اگر در ضمن راه يك موانعی بود آن را رفع میکنند... البته شاید يك اشتباهاتی شد ولی این جا رفع میشود. با نظر دل سوزی بحال عدلیه. عدلیه که مال بنده نیست. عدلیه مملکت است اگر اینطور است از بنده کار پیش نمیرود اگر بنا شد آقا يك دلنگی از بنده داشته باشند... حاج شیخ بیات - ابتدا نظر خصوصی و دلنگی نیست. وزیر عدلیه - استدعا میکنم بنده را وادار به حرف نکنید. اگر کتابه زدید بنده هم کتابه میزنیم. اگر پذیرفته بوده حرف همه را...

حاج شیخ بیات - من خواهشی از کسی نکرده ام وزیر عدلیه - اختیار دارید. چرا کسیکه چهار ماه عمر خودش را شبانه روز دارد صرف میکنید و زحمت میکشد این طور در بهره اش بی انصافی میکنید (بعضی از نمایندگان - صحیح است) بنده از نقطه نظر حیثیت مملکت این کار را کردم و گمان میکنم اینها يك چیزهایی بود که شایسته نبود جنابعالی بفرمائید.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی میگیریم...

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس - آقایان افسر و دادگر که مخالف نیستند.

آقای احتشامزاده

احتشامزاده - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای بهار

بهار - مخالفم

رئیس - بفرمائید

بهار - همانطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند و همه ما هم معتقد هستیم قوه قضائیه مملکت اختصاص به بنده ندارد مان همه است. نظر باینکه این قوه عمومیت دارد و مان همه است و نظر باینکه در این قبیل قضائیه که حقیقه جزء احتیاجات و جزء

مؤسسات اولیه مملکت است و بایستی همیشه يك اتفاق و اتحاد و بالاخره يك صمیمیتی در موقعیکه بایه اش را میخواهیم بگذاریم منظور شود باین دلائل بود که بعضی از آقایان با فوریت اول و دوم مخالف بودند و همین نظر هم هست که بنده مخالفم. آقای داور وزیر محترم عدلیه عصبانی نشوند و از پشت تریبون هم به نمایندگان حمله نکنند و اگر هم يك نفر نماینده با فوریت مخالفت کرد او را نهیدید باین نکتند که تو نظر شخصی داری چرا؟ برای اینکه ممکن است يك نفر نظر شخصی داشته باشد و حرف حساسی هم بزند. داشتن نظر شخصی آنهم در این موقعی که می بینیم بالاخره شخصیات بیش از اصول در این مملکت در اصلاحات دخالت داشته و دارد و در يك همچو مملکتی باین چنین حلی نشد نمیتوانید بیک نفر نماینده حمله کنید و او را نهیدید نمائید که او گله از من داشتی. گله داشته است؟ گله اش جای خودش. اگر حرف حساسی هم دارد باید از او پذیرفت و باید شنید. خاصه يك نفر وزیر که باید با خون سردی در مقابل نمایندگان حرف های آنها را تلقی نماید. بنده با فوریت مخالفم برای اینکه مسئله حل شود و قضیه بالاخره بيك آتارشی و اغتشاش قضائی منجر نشود. چون این عقیده را دارم و نظر بمذاکرانی که قبل از تشکیل جلسه در نظرفهای تنفس شد و نظر به پیشنهاد هائی که بعضی اشخاص که خود آقای داور هم تصدیق میکنند که بیعرضند و نظر شخصی و گله از ایشان ندارند و نظر باینکه آقای وزیر عدلیه هم در قسمت اعظم آن پیشنهاد ها موافقت داشته است باین دلائل ما بهتر دانستیم که لایحه برود بکمیسیون عدلیه تا قید اینکه کمیسیون عدلیه امروز عصر تشکیل شود آقایان موافقین و مخالفین این ماده هم بیایند حاضر شوند آقای وزیر هم بیایند و آن بیانات و مذاکرانی که خود آقای وزیر در اطاق تنفس آمدند و نشستند و عقاید خودشان را اظهار کردند دیگران هم عقایدشان را دادند و بالاخره تا تمام ماند در آنجا مسائل تمام گفته شود و

فردا صبح جمعه با اینکه تعطیل عمومی است مجلس باز شود و قضیه با يك اتحاد و اتفاق حل شود که آقای وزیر عدلیه هم هر روز بقول خودشان دچار گله بنده و دیگری نشوند باین دلیل و برای اینکه اعتراضات راجع به عدلیه آن اعتراضاتی که تفکر عمومی این شهر را بر کرده. آن اعتراضاتی که هر قدر چشمتان را هم بگذارید و گوشتان را بگیرد باز در حواس شما مؤثر خواهد شد در مجلس گفته نشود و برای اینکه بالاخره عدلیه اصلاح شود و این بنده ای که آقای داور خراب کرده اند و بی گذاشته اند بيك جایی برسد. باین دلیل بنده با قید دو فوریت مخالفم و استدعا میکنم از حاکم آقای داور که آنها هم در این کار اصرار نفرمایند و بگذارند این کار بخوبی و خوشی ختمه پیدا کند و پیشنهاداتی هم که شده بود و مذاکرانی هم که در خارج بعمل آمده بود به اصل موضوع اطمینان وارد نمیکند و بهترین وجه حل است در صورتیکه قضیه بکمیسیون برود و بشکل مرضی الطرفین اصلاح شود و اگر میل هم ندارند و میخواهند با قوه اکثریت و با قوه تعرض و اعتراض این ماده را پیش ببرند بخارند. ولی بالاخره در این شهر هستیم و همه مان ناظر خواهیم بود که باین فکری و احساسات گذارده شود باین فکری و احساسات هم خراب خواهد شد

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - مخالفتها همیشه دو قسم است يك وقت يك مخالفت هائی است مثل نظر حضرت آقای بهار نماینده محترم که از نقطه نظر حل قضایا است و نظر حلی و اصلاح است و همین طور مثل مخالفت آقای مدرس که بنده از خارج میدیدم که همه نوع موافقت در اساس قضیه دارند منتهمی در يك موضوع ممکن است اختلاف نظری باشد. البته این مخالفت ها باید اظهار شود و جواب هم داده شود. ولی يك مخالفت های نیش دار و داخل در اشخاص شدن و بالاخره از حدود زناکت پارلمانی خارج شدن بعقیده بنده این ها مخالفت هایی نیست که جواب داشته باشد. بنده هم

همانطور که این جا غالباً اظهار شد با دو فوریت موافق نبودم لیکن یکوقت يك مسائلی ارتباط پیدا میکند با يك مصالحی که مربوط بجماعه و مملکت است. بنده اصولاً در این قبیل مواقع معتقد هستم که مجلس شورای ملی از نقطه نظر يك اختلافات نظری هم که شده است قیافه منفی نباید نشان بدهد برای اینکه وقتی که گفته شد قوه قضائیه باید اصلاح شود شایسته نیست که از طرف مجلس اصولاً قیافه منفی نشان داده شود. ولی در عین حال اگر بنا شد يك وزیري مثل تمام وزراء يك خطبی در کارهایش بکند باید سؤال و استیضاح کرد و آن خطب را اصلاح کرد. بنده معتقد نیستم که وزیر فعلی عدلیه فرشته است. یا جاز الخطا نیست. اینطور نیست. ایشان هم مثل سایر بشرها هستند منتهی قدری بیشتر از بنده و دیگران درس خوانده اند. عرض میکنم يك لواجیحی است که ارتباط پیدا میکند با مسائل استقلالی و بابك اصولی که سالهای سال ما همی در روزنامهها نوشتیم و حرفش را زدیم و حالا که موقع عملش رسیده می بینیم باز يك زمزمه هائی است. این مواقع که میرسد ما باید تمام مسائل خودمان را بگذاریم کنار و مصالح مملکت را در نظر بیآوریم و امیدوارم تمام آقایان محترم هم دارای این عقیده باشند و البته هم هستند. این ماده واحده در این جا خیلی درش بحث شده. حرف هائی هم زده شد. مبارزات شد. حمله ها شد. اصلاحات شد. پیشنهاد ها شد و بالاخره با يك قیافه روشنی همان مخالفینی که فرمودند ورقه آنی دادند دوسه نفر آنها هم خیلی دلخور نبودند برای این که پیشنهادشان پذیرفته شد و بيك ترتیبی رفته است و حالا در موقع عمل است و همان نکته را که آقای باسائی فرمودند تکرار میکنم آنوقت هم به وزیر عدلیه گفتم که اگر شما آمدید در مجلس شورای ملی گفتید که من دو سال وقت لازم دارم تا عدلیه را اصلاح کنم من عقیده دارم که کسی جواب منطقی ندارد بدهد زیرا ما در عمل دیدیم که متخصص از خارج

آوردیم و یکی از وزارت خانههای عادی را در مدت پنج شش سال نتوانست درست کند. بنده معتقدم که وزیر فعلی عدلیه (این جا صحبت شخص نیست) با هر کس که باشد باید پنج سال از مجلس شورای ملی اختیار بگیرد تا بتواند قوه قضائیه این مملکت را اصلاح کند. حالا هم آمده اند و در مقابل مجلس چهار ماه وقت میخواهند البته میروند بکارهایشان ادامه میدهند کارهایشان تمام شد که نتیجه اش را می آورند خدمت آقایان. تمام شد دو مرتبه باید تمدید کرد و در هر صورت ما در اصل قضیه خیلی حرف زدیم مخالف هم مشخص و معین است همه هم در نهایت قیافه باز میگویند مخالفیم موافق هم با نهایت جدیت میگوید موافقم. حرف ها هم زده شده است و دیگر هر چه گفته شود تکرار مذاکرات است و استدعا میکنم آقایان اجازه بدهند مذاکره کافی بشود و در اصل قضیه هم می آید حرف میزنیم استدلال هم میکنیم و رأی میدهیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای آقاسید یعقوب مخالفند؟

آقاسید یعقوب - بنده عرض میکنم...

رئیس - راجع بکفایت مذاکرات است. در فوریت

قسم دوم مخالفت؟

آقاسید یعقوب - خیر بنده مخالف نیستم

رئیس - پس کسی مخالف نیست. رای گرفته میشود

بفوریت قسم دوم آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

(ماده واحده مجدداً شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - در مذاکراتی که میشود چون همیشه دیده میشود که برخلاف رویه شخصی بنده مقداری از مذاکرات و جزو بحث خارج از متن موضوع است و در نیت اشخاص

با خود اشخاص که انتخاب میشوند مؤثر است. بنده بهیچوجه من الوجوه بقدر ذره در مسئله نیت آقای وزیر عدلیه که ایشان بقصد اصلاح وارد کار شده اند حرفی نمی خواهم زدم. پس این که بعضی از آقایان گفتند که شما نمیخواهید از این شخص می خواهید اصلاحات کند و باید اختیاراتی بدهید و چرا نمیخواهید بدهید اینها هیچ موضوع بحث بنده نیست. بنده در موردی که ماده سابق یعنی اصل این قانون در این مجلس طرح شد نبودم. البته مسئله جهات مختلفی دارد و آقایان هم که مخالفند و بعنوان مخالفت حرف می زنند و میگویند که با این ماده مخالفیم با تمام ماده مخالفت ندارند و هر کس يك نظری دارد و چون بعضی اوقات گفته شده است که باید هم محسنات يك آدمی را گفت و هم معایبش را. قبلاً لازم میدانم عرض کنم که اصلاح عدلیه یکی از کارهای خوب است و کسی هم که شروع باین کار کرده است آنچه من احساس کرده ام نظرش نظر اصلاح بوده است و نیتش خوب بوده است منتهی در بعضی از مواد آن قانون و در بعضی اختیاراتی که بایشان داده شده است و در طرز اجرای آن قانون که بنده بعضی را تصدیق دارم لازم نیست مابقی را تصدیق داشته باشم. بنده هیچ مانعی نمی بینم در اینکه اختیارات بيك وزیری داده شود البته بعضی اوقات برای اصلاحات هم مفید است که اختیارات داده شود ولی این مطلب طرق مختلف دارد چنانچه قبل از مجلس صحبت شد که در انتخابات اشخاص آیا یک شخص باید انتخاب کند یا کمسیون انتخاب نماید. بعضی ها در مسئله قانون گذاری و اینکه آیا مجلس میتواند اختیار بيك وزیر باینکه از اعضای قوه اجرائیه بدهد که صلاحیت و اختیار قانون گذاری داشته باشد مذاکره کردند ولی بنده با وجود اینکه بعضی از این ایرادات را تصدیق دارم می گذارم برای بعضی از آقایان مخالفین که شاید بهتر شرح بدهند. چیزی که می خواهم عرض کنم معطوف

بيك طرف مخصوص مطلب است که خیلی قابل اهمیت است ولی یدش از اینکه داخل مطلب خودم بشوم اجازه می خواهم عرض کنم که بعضی اوقات بعضی چیزها اینجا گفته میشود که شاید میشود اسم آن را مغالطه یا خلط میبخت گذارد. هر قانونی که در دنیا بهتر از آن نباشد وقتی که می آید به مجلس شورای ملی که مرکز نمایندگان ملت است حسش این است که چند نفر مخالف داشته باشد و درش بحث بشود. و اینکه میگویند اگر به عدلیه قیافه مخالف نشن د ده شود سوء تأثیر دارد. سوء تأثیر آن است که قلبی بگذرد و اینکه میگویند عدلیه ارتباطی با کابینه لاسیون دارد. لغاء کابینه لاسیون یکی از مسائل مهمه اساسی این مملکت و از آمال ملی و آباء و اجداد ما است و مربوط بعدلیه نیست و این اصلاحی را که ایشان میکنند برای این است که بهترش بکنند که عدلیه کاملتری درست بشود. بنده عقیده ندارم که لغاء کابینه لاسیون را مربوط کنند بین اصلاحات. ما این اصلاحات را که میکنیم برای این است که هموطنان خودمان راحت باشند و عدالت را برای آنها میخواهیم. تنها عدالت را برای این میخواهیم که خارجه را مشمول قانون خودمان قرار دهیم و از آقایان که میخواهند در جواب بنده فرمایشی بفرمایند استدعا میکنم داخل متن موضوع شوند و آنچه را غلط گفتم تصحیح بفرمایند و این چیزی که بنده عرض میکنم مغالطه است یعنی میشود این عنوان را بهش داد این است مثلاً میگوید: چطور میتوانید در این زمان ترقی و رونق امور فلان و فلان طور کنید (خنده نمایندگان) از این فرمایشات نکنند. البته يك مطلبی را که ما بگوئیم همه چیزش خوب و درست است این قدر اثر ندارد که ما ملت اقرار کنیم که بعضی معایب داریم و میخواهیم آن معایب را اصلاح کنیم تأثیرش نه در این مملکت بلکه در تمام ممالک خارجه که نسبت بما ناظرند میبینند که کور کورانه ما نمیگوئیم همه چیزمان خوب است بلکه میفهمیم که چه کارها مان خوب است و چه واقعی داریم و میخواهیم آنها را اصلاح

کنیم. فهمیدن و خواستن اصلاح بزرگترین ضمانتی است برای این مملکت که میتواند در موقع خودش کامیاب شود. نظری که بنده دارم بخصوص در این کار راجع به آن طرفی از کار است که قانون استخدام را مختل کرده است. این قانون به عقیده بنده يك سدی را می شکند و يك خلل اساسی در امور استخدام این مملکت وارد آورده که در ظاهر استخدام را کمتر از اصلاح قوانین یا شخص یا تشکیلات در نظر میگیریم این مملکت الان در يك دوره ایست و يك دوری را میگذرانند که یکی از سیاست های بزرگ این مملکت باید سیاست استخدامی باشد و باید مجلس شورای ملی و ملت و دولت يك تصمیم کلی در این خصوص بگیرند. بنده مکرر عرض کرده ام که بالاخره این مملکت باید يك ترتیبی برای استخدام خودش در نظر بگیرد. اگر در واقع باید در باز شود و دائماً از یکطرف آب وارد بشود بدون هیچ قید و بندی و از یکطرف هم رتبه ها بتدریج بالا برود و از طرف دیگر بایشها هم قناعت نکنیم و اصلاً سد را بشکنیم و یکمرتبه صد ها هزار تومان به اشخاص بی سابقه یا سابقه که مستحق این کار بوده اند یا نبوده اند بدهیم اساساً در سیاست استخدامی و مالیات این مملکت خلل وارد میآورد و بالاخره این مملکت عاجز می شود از اینکه این سیاست را دنبال کند و بالاتر از اینها این است که يك وزارتخانه نمیتواند قانون استخدام را بشکند و رتبه ها را هم بزند و بوزارتخانه های دیگر این حق را ندهد. این ترتیب فساد اخلاق و یأس و ناامیدی و ضعف قلب در اجزاء ادارات دیگر تولید میکند. آنها هم برای همین مملکت خدمت میکنند. آنها هم همین حقوق را میگیرند و هیچ دلیل منطقی شما نمی توانید پیدا کنید که قاضی اگر مواجش کم باشد فلان خیانت را میکند و اگر خیانت میکند مال يك کسی را میدهد به کس دیگر اما اگر وزیر مختار ما خیانت بکنند مملکت را می دهد بدبگران. کدام يك از اینها بالاتر است. هر کس سر میز

خودش نشسته حق دارد ما نمایندگان ملت که این جا نشسته ایم و گاهی در پیش مردم میگوئیم ما آقای شما هستیم بنده هیچ معتقد نیستم که این حرفها زده شود. مکرر بنده عرض کرده ام که ما یعنی بنده خودم هیچ مزیتی بر مستخدمین دولت ندارم زیرا آنها هم بیچاره ها در سرما و گرما بدون مرخصی غیاب تعطیل يك ماه تمام مدت عمر را برای مملکت خدمت میکنند ولی حالا اینطور پیش آمده است که ملت يك دولتی کار خودش را بما سپرده است آنها هیچ تقصیری نکرده اند و ما باید ضامن رزق آنها باشیم یعنی بوجه مرتب روزیشان را از بوجه دولت برسانند پس باید مواظب باشیم که ما آنها هم صدمه وارد نیابیم. به معیشتشان خللی وارد نیاید. و در هر صورت در باز دولت دیگر هم ملحق خواهند شد به عدلیه و اگر نتوانیم عدلیه را برگردانیم و به ادارات دیگر ملحق کنیم بوجه این مملکت طوری بالا برود که این مملکت از عهده این کار بر نمی آید شرط سابقه خدمت منسوخ شده. رتبه ها بدون مراعات منظور میشود و هر مراحل و حقوق را که صلاح دانسته اند داده اند. حتی حقوق میدهند که در مالک فرنک که صدها و شاید اگر مبالغه نباشد هزار ها برابر از ما بزرگترند این طور حقوق نمیدهند. بنده ادعای کم که نمیدهند. بنده خاطر دارم که یکی از آقایان در این جا گفتند که اگر بنا نیست ما این پولها را خرج کنیم پس چرا مالیات میگیریم بنده عرض میکنم مالیات از این مملکت میگیریم که مخارج مملکت بشود ولی رأی دوی این حرف نگرفته اند که بنده جواب بدهم که به بینند این حرف من حساسی است یا حرف دیگری. ولی حرف که زده شد يك تخمی است پاشیده شده. خیر مالیات نباید از این مملکت گرفت مگر به حد ضرورت این مالیات مال ملك طلق اشخاص است توی سرشان میزنیم میگیریم رای چه؟ برای اینکه ضرورت نام مصالح مملکت اقتضا و اجباب میکند که گرفته شود. من خودم

یاد دارم که در مجلس شورای ملی اول یکی از آقایان علماء بود که وکیل بودند و بسیار مؤمن و مقدس هم بودند میگفتند که این مستمریات جزو اوساخ است یعنی مثل چرك است اگر شخص مستحق نباشد نمیشود از مردم مملکت مالیات گرفت و رای نفی خرج کرد. پس باید به حد ضروری بگیریم و به حد ضروری هم خرج کنیم. در زمان سابق وقتی که مجلس اول تشکیل شد بوجه دولت عبارت بود از یکمقدار مستمری های مستمری مردم میدادند بدون اینکه خدمتی برای دولت بکنند و ما در عرض نامه در کمیسیون مالیات آن وقت که بنده هم افتخار عضویت داشتم صد هزار قلم از آنها را که اکثرش مستمری بود خواندیم و گاهی در این میان قلمی پیدا میشد که میگفتند قلم استصوائی. ما گفتیم استصوائی چیست میگفتند حقوق خدمت است ولی خیلی نادر بود و این سالیانه بود که میگفتند هزار و چهار تومان یا هشتصد تومان برای یک نفر. ما گفتیم آقا: هشتصد تومان مستمری میشود؟! حالا آمدیم سه کار کرده ایم یکی این است که يك هوشیاری کاملی بخرج داده ایم سال را محرمانه تبدیل کرده ایم ماه وقتی میگویند هزار و هشتصد تومان. میگویند آقا برای يك ماهش زیاد است. اینکه میگویند در ماه دوست تومان یا سیصد تومان غفلت دارند از این که در سال سه هزار تومان میشود طلب دیگر این است که این مستمریات را تماماً کرده ایم استصوائی. یعنی هر کسی که يك کار لازمی ندارد او را يك جائتی گذاشته ایم و اسمش را گذاشته ایم استصوائی و دائره اش را وسعت داده ایم.

شهرانی - در دوره پنجم حذف شد.  
تقی زاده - مستمری ها حذف نشده بلکه به عقیده بنده استصوائی شده و بطور خلاصه باز عرض میکنم که ما يك سیاست استخدامی قطعاً لازم داریم و الا همه اصلاحات زمین میبندد و همه عایدات مملکت خرج مستخدمین میشود و ازین میروند چند روز قبل که بنده راجع باین مطلب مستخدمین بعضی عرایض کردم در روزنامه

ها يك قسمتش را نوشتند و يك قسمتش را نوشتند البته آنها تقصیر ندارند زیرا تمدن نویس که نیستند ولی این عیب يك سوء تفاهمی شده. بنده گفتم مستخدمین زیادی پول این مملکت را میخورند ولی مستخدمینی که لازم هستند و حقوقشان حق است و پابه شان هم معادل ما است باید از آنها قدر دانی کنیم. اما این قسمت را نوشته بودند بنده قصد ندارم به مستخدمینی که لازم است داشته بشود حقوق ندهیم و بی حقشان کنیم. ولی چنانچه آقایان هم متوجه این نکته هستند و همیشه نطق میکنند باید برای این هم يك حدی گذشت. مطالب دوم بنده این است که در اصلاح عدلیه تنها تغییر اشخاص یا تغییر قوانین کافی نمیشود برای آن مقصودی که ما میخواهیم بان برسیم باید در مقدمه عمل نشان داد که ما واقعاً داخل خط اصلاح شده ایم. یکی از نکاتی که خیلی لازم است برای این مملکت این است که ما باید محبس های منظم داشته باشیم که مردم را بیندازند توی يك سوراخی خواه تقصیر داشته باشند خواه نداشته باشند و منتظر باشند تا عدلیه رسیدگی کند و اگر بگویند در طهران هست یا داریم یا مشغولند. این کافی نخواهد بود بلکه باید در کرمان هم همینطور محبس داشته باشیم و هم چنین باید سعی کنیم که اشخاص عدلیه همه درستکار و خوب باشند. کافی نیست که بعضی ها خوب باشند و دو تاره آنها را قاتی و مخلوط کنیم با اشخاص بد ما اول هم نگفتیم که آدم های خوب در عدلیه نیست خیر آدم های خیلی خوب هم داشت ما خواستیم طوری بکنیم که اشخاص بد آنجا نباشند و اشخاصی که مردم آنها را درستکار میدانند وارد نشوند. ولی آنچه را که بنده بطور خصوصی اطلاع دارم این است که این نظر کاملاً رعایت نشده است و برای آن مقاصدی که ما داریم لازم است که در عمل این اصلاحات و نظریات را رعایت کنیم. این مسائل باید در مجلس گفته شود. برای اینکه بعد از من پنج روز دیگر يك ماه دیگر هر يك از

آقایان راجع بعدلیه و در اجرای قوانین با نواقص آن اگر نظریاتی دارند البته باید بگویند. برای اینکه این ترتیب بان مقصدی که ما داریم بیشتر کمک خواهد کرد تا مردمانی که تماشا میکنند بگویند کارهای ما خوب است از این جهت ما باید این کار را بکنیم تا بگویند به هم تکیه کرده اند برای اینکه تمام کارهای خودشان را خوب جلوه دهند و این هیچ تعریفی ندارد. نکته مهم دیگری که میخواستم عرض کنم این است: پس از اینکه ما کار هموطنان خود را اصلاح کرده و آنها را از نعمت عدالت کامیاب کرده (چنانچه قطعاً کامیابی هم حاصل خواهد شد) میل داریم اتباع خارجه هم که در این مملکت مقیم هستند تابع قوانین داخلی ما باشند و برای این کار در قوانین باید نکات و مسائلی را که موجب استزای حق آنها باشد در نظر بگیریم و رعایت کنیم یعنی در واقع نواقص کار خودمان را طوری اصلاح کنیم که آنها هم ما را مستحق اینکار بدانند بنده یقین دارم عدلیه ما خیلی ترقی کرده است و اگر امروز هم اتباع خارجه تابع قوانین ما باشند عیبی ندارد ولی باید طوری اصلاح شود که هیچ جای ایراد نباشد خلاصه ایراد بنده همین است که عرض کردم. عمده ایراد بنده این است که سد قانون استخدام را شکسته اند و این مسئله باعث بی ترقی امور دیگر خواهد شد. باقی مسائلی که عرض کرده برای تذکر بود و اگر وزیر عالیله يك کاری بکنند که ترتیب استخدام در این مملکت مختل نشود بنده در قسمتهای دیگر چندان حرفی ندارم.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - اظهارات مقدماتی نماینده محترم آقای نقی زاده دائر بمساعدت و کمک با آقای وزیر عدلیه بود و این نظریاتی که اظهار کردند در خارج گفته شده که انتخاب قضاة بکمیسسیون واگذار شود یا اینکه بغیر از مجلس هیچ کسی دیگر نباید حق قانون گذاری بدویم بطور

منجز از طرف خودشان فرمودند تا بنده جواب عرض کنم. در هر حال اگر اظهاری بفرمایند جوابش در موقع عرض خواهد شد. مسئله دیگری که فرمودند نباید قضیه اصلاح عدلیه را مربوط با لغاء کابینتولاسیون دانست بنده و ساد آقایان هم همین عقیده را داریم. کابینتولاسیون بموجب فرمان اعلیحضرت همایونی لغو شده است و از تاریخ نوزدهم ردی بهشت ۱۳۰۷ دیگر هیچ آذری از او موجود نخواهد بود.

فرمودند يك عدد از نمایندگان میگویند آنچه که شده به تمه سعی خیلی خوب است یعنی معایب را نخواهند متذکر شوند. و همین طور طرف مقابل يك طور دیگری اظهار میکنند بنده بن عراض را نسبت بسهم خودمان وارد نمی بینم. زیرا البته وقتی که يك مخالفی میگوید هر چه کرده تمام بد است ما هم میگوئیم هر چه کرده ایم تمام خوب است. ولی خود بنده قبلاً عرض کرده که البته يك اشتباهانی شده و باید اصلاح شود خود آقای وزیر عدلیه هم معترفند که يك اشتباهانی شده ولی خیلی کم. البته تصدیق خواهد فرمود که عموماً در خارجه بخصوص در ایران اینطور است وقتی هفتاد درصد کار مطابق منظور اجرا شود و صورت بگیرد آن کار یا فرضاً آن قانون خوب است. در قوانین البته يك مستثنیاتی فورا در موقع عمل پیدا خواهد شد در همه جای دنیا هم همینطور است. در مملکت ما هم چون مقتضیات اجرای قوانین کاملاً موجود نیست شاید کمتر بشود قانون را خوب اجرا کرد. ولی موضوع اساسی که بنده یاد داشت کرده ام و میخواهم عرض کنم و از آقای نقی زاده هم استدعا دارم بعراض بنده درست توجه بفرمایند آن مسئله شکستن سد قانون استخدام است که ایشان هم آن اشاره فرمودند. این يك مسئله نظری است. و در جوانی که بنده خدمتشان عرض می کنم استدعا دارم خودشان قضاوت بفرمایند داخل است بقیه را برگردیم و ببینیم که این وزارت خانها را از اول چطور ساخته اند ابتداری نظریات خصوصی

اشخاص و روی يك توسط ها و توسطاتی يك اشخاصی داخل خدمت شده اند. و از روی يك بی تناسبی ها يك حقوقاتی هم میگرفتند بعد که قانون استخدام آمد موجبات تثبیت این اشخاص را فراهم کرد. و يك اشخاص صالح هم هستند که خرده خرده در بین اشخاص صالح مورد حملات و تعرضات واقع میشوند بطور کلی مسئله این است وقتی که مستخدمین مورد حمله واقع میشوند شامل همه میشود و حال آنکه چنانچه عرض کرده اشخاص صالحی هم بین مستخدمین هستند اینکه فرمودند ما نباید سد قانون استخدام را خراب کنیم برای اینکه معلوم نیست عاقبت آن چند خواهد شد. بر عکس بنده خیلی خوشوقتم که سد قانون استخدام خراب شود. چرا که برای اینکه قانون استخدام بقول آقای آقا سید یعقوب این مملکت را برود می بلعد هر چه ما مالیت میگیریم باید خرج این قانون استخدام بکنیم و هم اضافه حقوق و ارتقاءرتبه در باره اشخاص باید قابل شویم. و این ترتیبی که بن قانون استخدام پیش بینی کرده تمام اعضاء پس از چند سال دیگر مدیر کل خواهند شد. و این بحال مملکت کاملاً مضرت است و ضمناً باید دانست قانون استخدام فقط در وزارت مالیه بنفع مستخدمین اجرا شده است. ولی در وزارت معارف اینطور نیست هنوز معلم در فلان ولایت هشت تومان حقوق میگیرد. و با این مبلغ دو میگویند بچه تربیت کن! تا امور پست دو ازده تومان حقوق میدهند و دو میگویند حافظ مراسلات مردم باش. بالاخره باید دانست که هیچ تناسبی بین وزارت پست و تلگراف با معارف با وزارت مالیه در کار نیست. قانون استخدام در وزارت معارف و پست و تلگراف اجرا نشده و از همین جهت هست که مردم کمتر سراغ معارف میروند. يك عیب اساسی دیگری که بنده در این اواخر متذکر شده و نمیدانم سایر آقایان هم تصدیق میفرمایند یا نه این بود که این قانون استخدام در این مملکت تشکیل حزب و اصل

تخرب را از بین برده است. دارم آقایان درست توجه بفرمایند. در هر جا که حزب تشکیل میشود برای منافع شخصی است. بالاخره اگر کارگر تجمع میکند برای حفظ منافع خودش است. و همینطور سرمایه داران برای منافع خودشان تجمع میکنند. در طهران در پارتخت مملکت طبقات متنوع حزب تشکیل میدادند دههها قبل. که فکر جمعی ندارند که حزب تشکیل بدهند. بالاخره همان تپ متنوع بود که همیشه بر روی منافع خودش که کز بود که يك تشکیلات حزبی بدهد. ملاحظه بفرمایید فلان آده برای حفظ منافع خودش سعی میکرد دظه حوزه نشود و بیشتر وقاش را صرف کند برای اینکه اگر حکومت در دست آن حزب افتد از آن حکومت تقویت و نگهداری کند بطوریکه در همه جای دنیا هم معمول است.

ولی این قانون استخدام که آمد نقطه نگاه ما مورین شد و دیگر ما مورین و مستخدمین نگاه قانون استخدام هیچوقت دور هم جمع نمیشوند که حزبی تشکیل بدهند و در مسائل اجتماعی به هم صحبت کنند و بنده خیال میکنم یکی از علت اعلل اینکه اصل حزب از این مملکت رفته و تشکیلات حزبی در این مملکت سرو صورتی نمیگیرد وجود همین قانون استخدام کشوری است.

برای اینکه منافع مستخدمین را تعیین کرده و از این نظر دیگر نمیخواهند دور هم جمع شده در مسائل اجتماعی تعاطی نظر کنند. من منکر قانون استخدام نیستم. ولی با این ترتیبی که نوشته شده و این معایبی که دارد مخالفم. زیرا چنانچه عرض کرده این مستخدمین سابقاً روی تشکیلات و منافع طبقاتی يك جمعی میکردند و با کل جدید هم مشغول کار بودند ولی حالا چون متکی بقانون استخدام هستند دیگر هیچ کس اعتنا نمیکنند. دیگر مستخدمین نوزده مدیر کل اعتدائی ندارند این قانون استخدام همان اشخاصی را که بدرد امروز نمیخورند و با اصل تجدد که خود آقای نقی زاده هم بان معتقدند ترحم دارند

همانها را ابقاء کرده و بل لمن غده کاس... ما باید سعی کنیم که این جوانهای مدرسه هم بکار بیفتند. بالاخره فلان میرزای گرگانی برای تشکیلات امروزه ندر نمیخورد. این قضایا بدیهی و ضروری است. و این مسائل را ممکن است در يك موقع دیگری بحث کنیم. فرمودند اشخاصی را که انتخاب میکنند باید از روی تناسب و سابقه باشد. بنده تصدیق میکنم. در يك قسمت هم منظور شده ولی قضات صالح و وکلای عمومی و مدعی العموم های صالح کاردان چون اندازه کافی نبودند چهار شدند قسمتی از خارج بیاورند. ملاحظه بفرمائید ممکن است يك قاضی خیلی زرنگ و کاردان باشد ولی چون صحت عملش مورد تردید است از این جهت اگر نخواهند این شخص را بکار بگذارند ضررش زیاد تر از نفعش است و آن سابقه که صحت عمل دارد بر او مقدم خواهد بود زیرا این آدم ممکن است پس از مدتی چهار ماه پنج ماه مثلاً معلومات علمی و عملی خود را تکمیل کند بطوریکه بدر این شغل بخورد. از يك طرف آقای دکتر مصدق لیسانسیه هارا این قدرها خوب میدانند و از طرف دیگر اگر معتقد شویم که فضایی قدیمه که در مدارس قدیمه مشغول تحصیل هستند این ها را بیاورند و قاضی کنند این ها هم که سابقه ندارند خوب پس چه باید کرد؟ يك اشخاص دیگری هم که بوده اند آنها صحت عملشان مورد تردید است. در هر حال بنده خیال میکنم در تشکیلات جدید مرکز وزیر عدلیه نهایت بیطرفی و بیغرضی را بخرج داده است. بنده يك مثل دارم که بدون اینکه اسم شخص را ببرم خدمت آقایان عرض میکنم يك نفری که داخل در حزب را دیکال بود پیش من آمد و گفت شنیده ام آقای داور میخواهند آقای مشیرالدوله و حکیم الملک و بیرالملک را عدلیه ببرند. گفتم چه بهتر از این. زیرا اینها علمای مملکت ما هستند و برجسته ترین اشخاص مملکت ما می باشند بطوریکه تاکنون در اطراف این ها هیچکس حرفی نزده از این جهت عیبی ندارد که ما

قسمت عمده قوه قضائیه خودمان را بدست این اشخاص بسپاریم. گفت: اینها کار بلد نیستند اینها معلومات دارند کتانی ولی عمل ندارند. عقیده بنده اینست که اگر ما بتوانیم يك اشخاص با معلومات و ورزیده صحیح العملی پیدا کنیم چه بهتر ولی ما - که اشخاص عالم عامل پیدا نکرده ایم باید همین اشخاص علمی که صحت عمل هم دارند بکار بکاریم باری آن شخص گفت: مقام من که در هر حال ثابت است. و اگر ارتقاء رتبه پیدا نکنم قطعاً تنزل رتبه پیدا نخواهم کرد. ولی بعد که با آقای داور مذاکره کردم ایشان فرمودند بلی این شخص قاضی خیلی خوب و ن نظیری است. ولی متأسفانه صحت عملش مورد تردید است. بنده بهین جهت يك اعتقاد فوق العاده آقای داور پیدا کردم. آن شخص نهایت اطمینان را داشت بر اینکه روی اصول حزبی و بستگی قطعاً او را انتخاب خواهند کرد ولی چون آقای داور اطلاعات کامل نسبت به آن شخص داشتند او را اصلاً دعوت نکردند. پس روی احساسات و عواطف اقدامات نکرده اند. شما قلم در دست بگیرید و این اشخاصی را که در تشکیلات عدلیه مرکز وارد کرده اند حساب کنید آنوقت ملاحظه خواهید فرمود که در بین تمام این اشخاص و قضاة شاید یکی دو تا مورد اعتراض باشند که آنها را هم در آتیه میتوان اصلاح کرد. ولی بطور کلی صد در هشتاد مورد تصدیق عمومی است. و اگر شما تفحص کنید بهتر از این اشخاص نمیشد انتخاب کرد. فرمودند حقوق مستخدمین قضائی را بی تناسب و خیلی زیاد قرار داده اند. البته بنده هم تصدیق میکنم که حقوق های گراف در دهی بیدرمان ما را دوا نمیکند. یعنی اصلاح اداری منحصر آبدان حقوقهای گراف نیست ولی در هر حال يك فکری است. زیرا اشخاصی که بالطبع جزو ارادند اگر مستأصل نشدند و زنگان آنها از طرف دولت تأمین شد این ها دیگر دزدی نمیکند ولی ممکن است اشخاصی وقتیکه

استیصال پیدا کردند آقدرها عزت نفس نداشته باشند که بتوانند در مقابل قضایا خود داری کنند از این جبهه باید با آنها نسبتاً حقوق زیادتری داد. و از اینرو اشخاص را از اعمال نا صحیح باز داشت. بعد آقای تقی زده فرمودند که بوزیر مختارها هم باید حقوق زیادتری داد زیرا ممکن است آنها به مملکت يك معملاتی بکنند. بنده هم کاملاً با این اظهار جناب عالی موافقم. و از همین جبهه بود که در لایحه اضافات وزارت خارجه که از کدسیون بودجه گذرانده ایم برای تمام وزیر مختارها يك اعتبارات بیشتری منظور کرده ایم. بنده معتقدم که يك اتوموبیل تجملی خیلی قشنگ باید بهر يك از وزرای مختار ما مقیم خارجه داده شود. مثلاً وزیر مختار ما در پاریس یا اتوموبیل کرایه حرکات نکند ولی از یکطرف چون بودجه اینقدرها نیست و آقای فیروز آبدی هم مخالفت می کنند از این جهت منظور حاصل نمیشود. خلاصه این که در مسائلی که تذکره دادند همه موافقم و اختلاف نظری در بین نیست. فرمودند یکی از آقایان و کلاه گفته اند که هر چه مالیات می گیریم باید خرج تشکیلات کنیم و چون مقصودشان بنده بود باید جواب عرض می کنم تشکیلات ممالکتی دو قسم است. سیاسی هست مثل ادارات و قشون و غیره. با اقتصادی است. در قسمت تشکیلات سیاسی جای حرف نیست که بخرج آن تشکیلات را باید ملت بدهد. اما در تشکیلات اقتصادی در قرون اخیره همچو ثابت شده است که دولت هم باید دخالت کند و چون اصول سوسیالیسمی در دنیا دارد پیشرفت می کند و وزارت فوائد عامه هم دارد بسط پیدا میکند از این جهت دولت هم يك مداخلاتی در تشکیلات اقتصادی میکند. والا اساساً مسائل اقتصادی را مردم همیشه تعقیب میکرده اند. و حالا چون مردم نمیتوانند خودشان يك کارهای مهمی بکنند و يك شرکت ها و يك کمپانی هائی تشکیل بدهند از این جهت حالا که از آنها مالیات می گیریم باید يك کار های عام المنفعه هم

را بشان بکنیم. و الا اساساً حکومت برای انتظامات امور سیاسی است از قبیل قشون و معارف و غیره. و بنده عرض نکرده که هر چه از مرده پول میگیریم باید شخصی که بی ربط وارد استخدام میشود بدیم بنده امروزه عرض کردم که خوب است آقایان اجازه بدهند بودجه های تقصیری را ما زودتر به مجلس بیاوریم تا در اینجا هر يك از آقایان که نظر اصلاح و حذفی دارند اظهار و پیشنهاد بفرمایند تا اصلاح شود و لا بنده هم کاملاً با عقیده شما موافقم. راجع به مستمریات و حقوق رئیس و تغییر و تبدیل اشخاص يك چیزهایی فرمودند که چون خودشان چندان همیتی ندادند بنده هم چیزی عرض نمیکنم فقط فرمودند تغییر و تبدیل اشخاص تنهیب برای اصلاحات نیست. بنده هم عرض میکنم کافی نیست. دیگران هم فرمودند کافی نیست. و بدیهی است که در این قبیل اصلاحات حسن اداره و وقت و زمان لازم است. فرمودند اشخاصی هستند که رعیت آنها شده است. بنده که چنین اشخاصی را نمی شناسم. البته آقای تقی زاده اگر يك اشخاصی را در نظر دارند و خوب میدانند یا سایر آقایان يك اشخاصی را صالح و متقی میدانند که آقای داور نمیشناسند تنها میگویم آنها را معرفی کنند برای اینکه ما کار برای اشخاص پیدا کنیم اشخاص را برای کار میخواستیم. پس اگر حضرات عالی اشخاص خوبی را میشناسید پیشنهاد بفرمائید تا برای تشکیلات ایالات و ولایات در نظر گرفته شوند و هیچ مانعی هم ندارد. آقای داور که تمام اشخاص را نمی شناسند. در هر حال بنده از اظهارات آقای تقی زاده يك مخالفت هائی ندیدم و خیلی از ایشان متشکرم که با این که بقول آقای شیروانی در بعضی از موارد در فرمایشاتشان جنبه منفی بافی زیاد است معذک از نقطه نظر احترام و تقدیس که با فکار جنابعالی ماها داریم و در آتیه هم خواهیم داشت همیشه میخواهیم ترتیب اثر به بیانات جنابعالی بدیم چه بعنوان مخالفت

اظهار بفرمائید و چه بعنوان موافقت .  
 يك عرض دیگری هم داشتم که چون تعهد کرده بودم  
 عرض کنم لذا برای اولین دفعه پشت این تریبون عرض  
 می‌کنم گرچه خارج از موضوع است ولی عرض می‌کنم  
 که بنده آقای مدرس را تقدیس می‌کنم بری اینکه به  
 بعضی از عناوین که حق ایشان است متشبه شده اند  
 و گاه الا يك مرد سیاسی بوده اند

مدرس - اثبات شئی نفی معاد نمیکنند .  
 تقی زاده - توضیح مختصری دارم که باید عرض کنم .  
 رئیس - بفرمائید .  
 تقی زاده - راجع بفرمایشات آقای باستانی که در جواب  
 بنده اظهار فرمودند توضیح مختصری دارم که لازم است  
 عرض کنم . ایشان دو چیز را طوری بیان کردند که اگر  
 در صورت مجلس ضبط شود خوب نیست زیرا درست مخالف  
 مقصود بنده قلمداد کردند . یکی این است که گفتند ما میخواهیم  
 قانون استفاده دست بخورد در صورتیکه بنده خود یکی از شکایت  
 کنندگان قانون استفاده هستم زیرا این ترتیب سالهاست که  
 و حقوق بالا می‌رود و بر بودجه مملکت تحمیل میشود و  
 بنده تقدیس می‌کنم اولین وزیری را که يك قانونی را به  
 مجلس بیاورد که قانون استفاده را به نفع بودجه مملکتی  
 تغییر بدهد .

دوم اینکه فرمودند بنده عقیده دارم که بوزیر مختار  
 ها مواجب زیاد داده شود . بنده طرفدار این عقیده  
 نیستم . و گفتم نباید بین مستخدمین تبعیض قائل شد .  
 و گفتم که مستخدمین مملکتی منحصر بقضات نیستند که  
 بانها میخواهند حقوق زیادی بدهند برای اینکه خیانت  
 نکنند مقصودم آن بود که این نظر در باره مأوورین  
 خارجی مایم هست و اگر اینطور بشود آنها هم همین حق  
 را پیدا خواهند کرد والا بنده عقیده ندارم که بوزیری  
 مختار مواجب زیاد داده شود .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

دکتر مصدق - بنده اجازه خواسته‌ام . و راجع به

(عده کتیری قیام نمودند)  
 رئیس - اکثریت است . رأی گرفته میشود به ماده  
 واحده .

مدرس - بنده نسبت به ماده پیش نهاد دارم  
 رئیس - پیشنهادهایی که قبلاً رسیده بود تماشای تبصره  
 های الحاقیه است مگر يك پیشنهادی که از طرف آقای مدرس  
 حالا رسیده است که راجع به ماده است  
 افسر - بنده هم پیشنهاد چهارم مد کرده بودم  
 (پیشنهاد آقای مدرس شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم بجای ماده واحده نوشته شود: مجلس  
 شورای اجازه میدهد که وزیر عدلیه کمیسیون مرکب  
 از اشخاص بصیر خوش سابقه بجهت رجوع به دوسیه‌ها  
 و سابقه های قضات تشکیل داده رأی کمیسیون را بموقع  
 اجرا خواهند گذاشت و نسبت بقوانین لوایح و اصلاحات  
 مرتب نموده پیشنهاد به مجلس شورای نموده بعد از تصویب  
 بموقع اجرا خواهند گذاشت  
 رئیس - آقای مدرس

مدرس - آقای وزیر عدلیه سه کار دارند . یکی  
 نسبت به مستخدمین اداری که قانون استفاده شورای  
 تکلیفش را معلوم و معین کرده یکی هم نسبت به قضات  
 و یکی هم نسبت به قانون . يك عدلیه هم در مرکز تشکیل  
 داده شده است . ما هیچ نمیگوئیم این عدلیه را بهم  
 برزند ولی میگوئیم چند نفر اشخاص خوب و خوش سابقه  
 را معین بفرمائید که تمام دوسیه ها را در تحت نظر بگیرند  
 تا عمل کنند تحقیق کنند و سابقه عامی و عملی همه را  
 رسیدگی کنند و يك رأی بدهند که فلان کس خوب است  
 یا بد است و آن رأی را بموقع اجرا بگذارید و اینکار را  
 اگر بوسیله يك کمیسیون بصیر و با اطلاعی  
 انتخاب شود بفرمائید خیلی بهتر از این است که بخواهش  
 بنده و یا بخواهش عمر و وزیر يك عده را ببرند بعدلیه  
 این عضوی را که آقای وزیر قبول میکنند با من توسط

کرده ام به زید و خودشان و به آشنایانشان . دیگر از  
 آسمان که کسی را نمی آورد استعدا می‌کنم  
 آقایان درست توجه بفرمائید انتخاب قضاة از دو شق  
 خارج نیست به این است که خود آقای وزیر عدلیه به  
 آشنایانشان چنانچه عرض کرده است عده را به عدلیه ببرند  
 و آنکه چنانچه پیشنهاد کرده سه نفر از اشخاص بصیر  
 خوش سابقه را معین بفرمائید که تمام دوسیه های متعلق  
 به قضاة را از جنبه عامی و صحت عمل همه چیز را  
 مورد نظر قرار بدهند و يك رأی بدهند که مثلاً فلان  
 آدم قابلیت کم است . به قابلیت ندارد یا خوب است یا بد  
 است . و آنوقت هر چه آن کمیسیون رأی داد آن را  
 بموقع اجرا بگذارید . حالا حسب پیش را بنشینید و به  
 بنشینید کدام یکی از این دو شق بهتر است و ارزان تر  
 تمام میشود . عقیده بنده این طریق همان تر و بهتر است  
 و خوب است که همین امروز بن کار را بکنند .

ما راجع بقانون . هر روزی که می آید حق دارد که يك  
 قوانین و يك لوایح و يك اصلاحات نسبت بقوانین  
 به مجلس پیشنهاد کنند . خوب ایشان هم اگر اینکار را  
 بکنند عیبش چیست ؟ يك قوانینی سابقاً بوده است يك  
 عیبهایی هم داشته است خیلی از عیب هایش را هم همان  
 محکم سابق و تمیز سابق ضبط و پرداخت کرده بودند و  
 خیلی از عیب هایش را ما هم میدانیم . پس چه عیب دارد  
 که ایشان هم يك لوایح اصلاحی تهیه کنند مثلاً ماده  
 از قانون سابق را برزند و یا صدای دیگر بآن علاوه  
 کنند و آن را موقتاً اجری کنند و بعد بیاورند به  
 مجلس و البته این ترتیب خیلی بهتر است . بنده تا يك  
 مدتی معنی پلتیک را نمیدانستم چیست ؟ ولی از این رو به  
 که آقای وزیر عدلیه پیش گرفته اند معنی پلتیک را  
 فهمیده و دانستم که اگر کسی بخواهد چند سال وزیر  
 باشد راهش چیست . راهش همین است که يك قانونی  
 پیشنهاد کنند و سه ماه وقت بخواهند و بعد از سه ماه  
 بیایند اینجا و بگویند تمام اش چهار ماه تمدید بخواهند

و باز بعد از چهار پنج ماه دیگر بیایند و بگویند تمام نشد. امروز یکی از آقایان فرمودند بخارج پنج سال مهلت میدهیم خوب چه ضرری دارد در باره خودمان هم همین نظر را داشته باشیم بواسطه اینکه اگر مانند که هیچ واگر وسط کار هم مدرس بدبخت مخالف جدی شد (چون هنوز مخالف جدی نشده ام اگر يك روزی مخالف جدی شده عقیده ام این است که با آقای وزیر سکنه میکنند یا فرار میکنند) اون متمتع بوده امروز نصیحت میکنم. در خارج مجلس هم عرض کرده حالا اینجا هم عرض میکنم که خواست برود و حسابهایش را بکنید و به بینید کدام شق بهتر است اگر بقصد و لایحه جهت اصلاح قانون ترتیب دادید و به مجلس آوردید و تقاضا کردید هرچه قانون دان هست در مجلس در کمیسیون عدلیه بیاید و خودتان هم بکمیسئون عدلیه تشریف بیاورید آیا این بهتر نیست از اینکه خودتان بروید يك قانونی را خودتان اجرا و با تجربه کنید؟ بله؟ عرض کردم اگر نظر بوزارت خودتان است که این نظر شمارا بنده تصدیق میکنم که بسیار خوب نظری است و نظر عقلانی است و خیلی خیلی خوب راهی است برای اینکه در وسط کار اگر ما حرفی بزیم که مگوئید نگذاشتید. و اگر هم ماندید که نعم المطلوب. در هر حال بنده این پیشنهاد را کردم و اگر آقایان صلاح میدانند امروز جلسه را ختم کنیم. و در خارج صحبت کنیم. من نظر موافق و مخالف را تقدیس میکنم و با هر کس که بنده در خارج صحبت داشتم همه عقیده شان این بود که قوه قضائیه باید اصلاح شود. چه مخالف و چه موافق همین نظر را داشت برای اینکه مسئله شخصی نیست که مثلاً مربوط بمن یا بدیگری باشد یا يك منافع از من فوت شود یا نشود. مسئله مربوط به همه و مربوط بمملکت است. منتهی اختلاف نظر در طریق اصلاح است اگر چه این سه مسئله که عرض کردم در پیشنهاد نبود ولی چون نوبت مذاکره به بنده رسید از این جهت تصدیق

دمم لذا عقیده خود را عرض کردم حالا اگر قبول فرمودید که هیچ واگر هم قبول فرمودید وا کثرت رأی نداد البته مختار است ولی بنده مرخص میشوم  
 داور وزیر عدلیه - خیلی اسباب تأسف است که هوا گرم است و آقایان هم عجله دارند و بنده عرض میکنم که بن مذاکره را که آقای مدرس فرمودند موضوعی است که اغلب آقایان خیر دارند. امروز صبح مدتی در این موضوع بحث شد. بنده دو جور میتوانم کار کنم. یکی با نظر شخصی. و یکی هم با نظر مجلس. باین ترتیب که بنده تمام اکثریت مجلس را جمع کنم و با آنها کار کنم از نقطه نظر شخصی امروز صبح در ضمن صحبت گفتم می کنم موضوع قطعی را خدمتشان عرض کرده و گفتم بنده خیلی دلم میخواهد و آرزو مندم که يك عدلیه خوبی در این مملکت درست شود. و تمام فکر و اراده ام متوجه این خدمت است و برای این مقصود هم کار میکنم. شما میفرمائید برای انتخاب اشخاص پس از رسیدگی بدوسیه ها و سوابق عمل اگر چند نفر این کار را بکنند بهتر و عملیتر است بنده هم حرفی ندارم و در اساس قضیه موافقم و مقصود این است يك کاری بشود که نتیجه خوبی از آن عمل آید. اما راجع باشخاص که فرمودید. خوب حالا باید به بینیم آن اشخاص باید چه قبیل اشخاص باشند عرض میکنم يك وقت با آن طبیعت معماری که خداوند قادر متعال برای تمام ایرانی ها ایجاد کرده و برای ساختمان اداری و اجتماعی آنها را حاضر کرده صبر میکنیم تا يك کسی بیاید و يك بنائی را بسازد و پس از اینکه بنا را ساخت آنوقت میگوئیم فلانجا و فلان قسمتش بد است و حرف دارد. ولی در عین حال بهر کسی که میگوئیم آقا دست را بالا کن و وارد عمل شو میگوید من حاضر نیستم این يك بدبختی است برای مملکت. آقای تقی زاده در ضمن بیاناتشان راجع باشخاص فرمودند. بنده خیلی مایل داشتم که بهترین و معروفترین و صالح ترین اشخاص را روی کار بیاورم. خوب. در این مملکت میروم و می

پرسیم به بینیم اشخاص صالح کدامند. بدبختی ما این است که در این مملکت از چند نفر از هفت هشت نفری که گذشتیم در باره هر کس حرف می زنند. بنده تا يك مدتی ملتفت نشده بودم که حضور شده که از این هفت هشت ده نفر که بگذریم سایرین دشمن دارند و درباره آنها حرف زده میشود. بنده این معنی را در این اواخر استنباط کردم و ملتفت شده و آن بن است که این هفت و هشت نفر از عقلای واقعی این مملکت هستند و در جریانهای شدید خودشان را ادا وارد نمیکند و حیثیات خودشان را خیلی دوست میدارند. و وقتی که پای زد و خوردی پیش بیاید کنار میروند و در قضیه هیچ وجه دخالت نمیکند و بیطرف میمانند برای اینکه کسی از آنها بد نگوید.

مدرس - بنده همه جا وارد بودم.

وزیر عدلیه - شما حسابشان يك است. شما يك نفر از این مسئله بر کنارید حالا برای مثال عرض میکنم که بنده بهمین آقای تقی زاده ناطق محترم تلگراف کرده و از ایشان تمنا کرده که تشریف بیاورند. و وقتی هم که تشریف آوردند خدمتشان رفتم و از ایشان استدعا کردم در تشکیلات وارد شوند ولی ایشان نیامدند نمایندگانی چه نیقی بود و در هر صورت اینطور بود که ایشان نخواستند خودشان را در جریان بگذارند. از آقای دکتر مصدق هم (که آن روز يك بی مهری نسبت به بنده کرده بودند و فرموده بودند که بنده میخواستم با پول ایشان را تطمیع کنم) استدعا کرده استرحام کردم که آقا بیایید و با بنده کمک کنید ولی قضیه يك شکلی دیگر در آمد گفتند بنده قبول میکنم ولی شرایطی دارند و قبول نکردند حقیقه دوش بنده بقدری از فشار کار و تقاضا خسته شده که دارم از کار باز میمانم. مگر يك دماغ و فکر چه قدر طاقت دارد؟ البته بکنفر هم ممکن است خطا بکند بنده قبول دارم و این کمیسیون را هم بطور رسمی یا بطور غیر رسمی دعوت خواهم کرد زیرا بنده شخصاً

این حق دارم و آقابنیکه به بنده اختیار داده اند این حق را هم به بنده داده اند که چند نفری را انتخاب کنم ولی امروز ما دو ساعت خود ما را کشیم که آقای مدرس قبول بکنند و حاضر بشوند حاضر نشدند. فرمودند من گرفتارم زیاد است و نمی توانم حاضر شوم. آقای دکتر مصدق هم فرمودند هوا گرم است و بخوش هستم. خوب پس بالاخره چه باید کرد! و قهراً اگر آقایان میخواهند کار خوبی بشود قدری خودتان هم کمک کنید و شرکت کنید. در این مجلسی که بدبختی اشخاص جامع خیلی کم هستند باید دست بدست هم داده کار کنیم. يك کتابچه بسمت بنده پرت کردند و فرمودند وزیر عدلیه آمد و عدلیه را خراب کرد بعد گفت بیایید با هم بسازیم. خوب آقا اگر من شما نگویم بدائیم بسازیم و با هم درست نکنیم پس بکه نگویم؟ مدرس - در خراب کردن حضور؟

داور - مگر اینکه نخواهید در امر خبر شرکت کرده باشید. ولی بنده عقیده ام این است که اگر بملطقی آقایان بگذارند کارهایی خواهم کرد. چنانچه در همین خرابی هم خیال میکنم خدمت زرگی کرده بشم. حالا چون در این مسائل خیلی بحث شده است بنده چیز زیادی عرض نمیکنم ولی بنده حاضریم با آن شرایطی که عرض کرده با مسئولیت خودم عضویت يك اشخاصی را که بانها اعتماد دارم در کمیسیون قبول کنم و با آنها کار کنم. ولی از حالا در پشت همین تریبون در حضور آقایان و کلا میگویم که همه مردم هم بشنوند. شما که مردمان بی غرضی هستید و میخواهید مملکت آباد بشود و انتخابات از روی بیغرضی بشود و کارها اصلاح بشود و قتیکه دعوتتان میکنند چرا نمیآید؟ در هر صورت شرطش این است و قتیکه استدعا کردم تشریف بیاورید باید حاضر شوید بنده حاضریم با این ترتیب کمیسیون انتخاب کنم و برای اینکه پیش خدا و وجدان مسؤول نباشم ایشان مشورت کنم و مسؤولیت را هم عهده دار شوم مشروط بر اینکه آقای مدرس. یکی شما باشید و یکی



هم آقای دکتر صدق. آنوقت بنده هم می‌آیم و يك اشخاصی را صورت میدهم و دوسیه سابق خدمت آنها را هم می‌آورم آنجا و رسیدگی میکنیم اگر این ترتیب باشد چه بهتر از این و برای بنده هم خیلی خوب است که آن زحمتی را که میخواهم بکنم به حضور چهار نفر از اشخاص بزرگ و بزرگوارین محاکمات خواهد بود ولی اگر معیارهای مساوات یعنی همه محاکمات بعد از آنکه آن بنا ساخته شد اگر دینار بی دود آنوقت حرف بزنند در اینصورت بنده حاضر نیستم و به بنده جزو آن ماده نوشته نشده بود بنده نمیتوانم این کمیسیون را برتربی که عرض کردیم قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای بهار

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قبل از آنکه به پیشنهاد آقای مدرس رأی گرفته شود جلسه را ختم کرده عصر جلسه تشکیل شود

رئیس - آقای بهار

بهار - آقایان دبستی تصدیق فرمایند که تصمیماتی که در سابقه گرفته شده و هائی گرفته در دو ساعت بعد از ظهر گرفته میشود چندان مدبر نیست خاصه مسئله این مهمی که بکنفر هموطن محترم ما آقای داور يك پروهای سنگینی را باید در این قضایا بدوش بکشند و خود را در معرض افکار و اظهارات دوست و دشمن بنهند اگر شما هم دوست ایشان هستید بهتر این است مذاکرات را کافی ندانید و نگذارید مخالفین هم صحبت خودشان را بکنند و لاف‌ها و دلائل طرفین گفته شود و چون حالا وقت نیست بنده عقیده ام این است حالا جلسه ختم و عصر تشکیل شود و قضایا حل شود شما که اکثریت دارید محتاج نیست عجله کنید و در سایه فشار گرسنگی رأی بگیرید این خوب نیست. حالا که يك تقداری آقای داور پیش آمده اند و آقای مدرس هم پیشنهادی کرده اند بهتر این است عجله نشود و امیدواریم

نمیدهد که عرایض خودشان را اظهار کنند. ولی خیلی تشکر میکنم از آقای وزیر عدلیه که خودشان اصرار دادند و فرمودند من راضی نیستم که محله در کار باشد. حالا اکثریت در مجلس هست و گذاردن هر کاری به هیچ مشکلاتی بر نمیخورد پس خوب است آقایان اجازه بدهند که قلیت يك اشخاص بیچاره فقیری آنها هم در این مجلس عقاید خودشان را اظهار کنند. شما اکثریت هستید شمشیر در دست شما است. هر کاری بخواهید میتوانی بکنید. تیغ را دروید. در این صورت ضروری ندارد اجازه بدهید دیگران هم نظریات خود در این اظهار کنند شاید يك وقت اتفاق افتاد که شما هم به آن عقیده همراهی کردید ولی حالا اگر شما مانع شوید و دیگران نظریات و عقاید خودشان را نگویند چیز خوبی نیست. بنده میخواهم در این باب يك مذاکره بکنم و در این ماده که گذشته و بن مانع جدید يك نظریاتی درم که بستی عرض کنم ولی متأسفانه نمیدم به چه ترتیب باید عرض کنم

رفعی - ملاحظه ماده ۶۳ را هم بکنید

دکتر صدق - بله میترسم گرفتار اخطار حضرتعالی و اعتراض آقای قزلان بشوم. بنده آن دفعه به ماده خود موافقت نکرده و علتش هم این بود که اساس قانون گذار از مختصات و وظایف مجلس شورای ملی میباشد اگر بنا باشد مجلس به وزراء اجازه بدهد که برود قانون وضع کنند پس وظیفه مجلس شورای ملی چیست؟ این حق بموجب اصل ۲۷ قانون اساسی از وظائف مجلس شورای ملی است و هیچ مجلسی هم نمیتواند این حق را بدولت واگذار کند. این عقیده بنده بود و از همین جهت هم رأی ندادم ولی علت آنکه در آن وقت حرف زده بن بود که يك چیز هائی در جرائد نوشته میشد و يك حرفهائی زده میشد که باید عدلیه منحل شود و اصلاح شود. ما دیدیم اگر حرفی بزنیم و مخالفت کنیم خواهند گفت که مخالف با اصلاحات هستید و حالا که بکنفر ایران

آمده و میخواهد اصلاحاتی بکند نمیگذارند این بود که بنده ساکت مانده ولی حالا نظرم این است گذشته از اینکه قانون گذاری از وظایف مجلس شورای ملی است ما باید يك نظری هم بقوانینی که در این چهار ماه گذرانده اند ببندیم. و باید آنها را تحت نظر گرفت و دید این قوانینی که وضع شده خوب است یا بد است. اگر خوب است که بسیار خوب. يك شخص خون که اطلاعشان کامل بوده يك قوانین خون وضع کرده اند ولی اگر دیده شد که این قوانین خوب وضع نشده آن وقت البته صلاح در این است که مجلس شورای ملی حق قانون گذاری بدولت بدهد و مثل مواقع عادی دولت را مکلف کند که قوانین خودش را بمجلس ببورد و اتفاق با اکثریت آراء از تصویب نمیدانند بگذرانند. مسئله يك صورتی بگذرد که در صلاح مملکت باشد. بنده اگر بخواهم وارد تمامه موادی که بن کمیسیون وضع کرده شده خیلی طور می کشد و شاید امروز هم مقتضی نباشد که چیزی عرض کنم. ولی بعضی از آن موادی عرض میکنم و از آقای وزیر عدلیه هم استدعا دارم که درست توجه فرمایند و نظریات خودشان را در جواب بنده اظهار فرمایند بن کمیسیون يك عاده دو وضع کرده که می نویسد: (اشخصیکه که قبل از انحلال عدلیه مستخدم و یا منتظر خدمت عدلیه بوده و در تشکیلاتی که بموجب اختیارات حاصله از ماده واحد ۲۷ همین ماده ۱۳۰۵ داده میشود از طرف وزیر عدلیه دعوت نشود نام از اینکه سابقاً متحج داده از از متحج معاف بوده اند در آتیہ نمیتوانند بخدمت قضائی و مداری پذیرفته شوند مگر با دادن امتحان مطابق پروگرامی که وزارت عدلیه تنظیم خواهد نمود) خوب. با این ماده نسبت به شخصی که آمده اند و سابقاً يك متحجانی داده اند و دولت آنها را قبول کرده و پذیرفته و يك حقوقی پیدا کرده اند که آنرا به اصطلاح اروپائی درد آکی یعنی حقوق مکتسبه میگویند يك ظلم فاحش نیست؟ و يك رفتاری بر

خلاف عدالت و انصاف نیست که يك اشخاصی بیایند و در تحت نظریات شخصی بگویند آنها اینکه از سابق حقوق مکتسبه داشته اند برای اینکه دعوت نشده اند باید حقوقشان از میان برود؟ این اشخاص امتحان داده اند و با يك شرایطی قبول شده اند و آن شرایط هم البته صحیح بوده است. قانون گذار و مجلس و دولت هم تمام آن شرایط را قبول کرده اند. و قتیکه کسی بچنین شرایطی پذیرفته شد و دارای حقوق شد گمان نمی کنم امروز کسی نتواند این حقوق را از او بگیرد.

بکنفر از نمایندگان - وقت گذشته است خوبست بماند برای جلسه بعد.  
دکتر مصدق - شما شکمتان گرسنه است ولی بنده عقیده ام توی دلم میماند.

بعضی از نمایندگان - پس باشد برای فردا.  
دکتر مصدق - بنده حرفی ندارم باشد برای روز یکشنبه ولی اجازه بنده باید محفوظ باشد.  
رئیس - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود و بقیه

نطق آقای دکتر مصدق بماند برای جلسه بعد. جلسه بعد را چه روزی قرار دهیم  
بعضی از نمایندگان - یکشنبه.

رئیس - جلسه آنبه روز یکشنبه. برای شرفیاب روز عید نه نفر باید بقید قرعه معین شوند

( اقتراع بعمل آمده آقایان مفصله ذیل تعیین گردیدند )  
آقای حاج آقا حسین زنجانی - آقای حاج آقا رضا (رفیع)  
آقای آقا میرزا سید مهدی معتمد - آقای عدل - آقای میرزا حسین خان موقر - آقای میرزا عبدالحسین - آقای حقنویس - آقای میرزا ابراهیم خان قوام - آقای دکتر مصدق.

رئیس - بحسب تقاضای آقای رئیس الوزراء لایحه استخدام متخصص تلگراف بی سیم هم جزو دستور روز یکشنبه میشود -

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

( مجلس دو ساعت بعد از ظهر ختم شد )